

کانون‌های تفکر آلمان

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۴۳۴۷

تیرماه ۱۳۹۴

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۱۱.....	معرفی کانون‌های تفکر آلمان.....
۱۹.....	گونه‌شناسی کانون‌های تفکر در آلمان.....
۲۰.....	کانون‌های تفکر آکادمیک و دانشگاهی.....
۲۴.....	کانون‌های تفکر حمایتی یا وکالتی.....
۲۶.....	کانون‌های تفکر حزبی.....
۳۰.....	مشخصه‌های اصلی کانون‌های تفکر آلمان.....
۳۵.....	کانون‌های تفکر آلمان با نگاهی به اتحادیه اروپا.....
۴۳.....	معرفی بنیاد کنراد آدناور.....
۴۸.....	نتیجه‌گیری.....
۵۳.....	منابع و مآخذ.....



کانون‌های تفکر آلمان

چکیده

کشور آلمان در دو قرن گذشته با تحولات گسترده در سطح ملی و بین‌المللی روبرو بوده و در قالب‌های گوناگون حزبی و حکومتی همچون پادشاهی، جمهوری، کمونیسم و ناسیونال سوسیالیسم، همواره فضای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که تاریخ معاصر اروپا، از تاریخ پیروزی‌ها و شکست‌های این کشور مستقل نبوده است. آنچه قدرت سیاسی و اقتصادی آلمان و جایگاه انکارناپذیر آن را در اتحادیه اروپا و در سطح جهان برجسته می‌سازد، سنت فکری چندصد ساله‌ای است که خود را در بخش کانون‌های تفکر نیز به خوبی نمایان کرده است.

در این گزارش، پس از ارائه تاریخچه‌ای کوتاه از نحوه شکل‌گیری کانون‌های تفکر و اهمیت آنها، به معرفی گونه‌های مختلف کانون‌های تفکر و مشخصه‌های اصلی آنها در کشور آلمان پرداخته می‌شود. سپس در بخشی جداگانه آن دسته از کانون‌های تفکر آلمان را که بیش از دیگر کانون‌ها به مسائل اتحادیه اروپا توجه دارند، بررسی شده و در پایان به نحوی گسترده‌تر فعالیت‌های یکی از مهمترین کانون‌های حزبی آلمان را مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

^۱. سلسله گزارش کانون‌های تفکر به‌منظور آشنایی اجمالی با ایده‌ها، روش‌ها و عملکردها تهیه شده و نگاه اثباتی یا ابطالی به مسائل ندارد.

مقدمه

همان‌گونه که در این گفتار آمده به نظر می‌رسد که «مسرت‌بخش‌ترین لحظات در جهان کانون‌های تفکر زمانی بوده که متهورانه‌ترین ایده‌ها که ابتدا از نظر سیاسی غیرقابل طرح بوده‌اند، راه خود را به گفتگوهای دانشگاهی و تخصصی باز کرده، مورد توجه مسئولان و قانونگذاران قرار گرفته و سرانجام به مثابه خط‌مشی پذیرفته شده‌اند»^۱.

کانون تفکر^۲ یا اتاق فکر یا اندیشکده یا مؤسسه سیاست‌گذاری یا مؤسسه تحقیقاتی و غیره...، سازمانی است که تحقیقات و مشاوره‌هایی در حوزه‌هایی همچون سیاست‌های اجتماعی، استراتژی سیاسی، علوم اقتصادی، نظامی، تکنولوژی و فرهنگ ارائه می‌دهد.

این کانون‌ها اشکال و صورت‌های مختلفی دارند و به‌طور کلی می‌توان آنها را سازمان‌هایی برشمرد که به حمایت از موضوعات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی خاصی می‌پردازند.

تعداد و تنوع کانون‌های تفکر در یک کشور می‌تواند همچون شاخصی برای میزان باز بودن فضای آن جامعه و مطرح شدن ایده‌های تازه و انعکاسی از ظرفیت سازمانی آن کشور در نظر گرفته شود.

در ژانویه ۲۰۰۹، نمایندگان ۳۰ کشور کمتر توسعه یافته و اقتصادهای نوظهور در قاهره گرد هم آمدند و در بیانیه‌ای اعلام کردند که ارتقای کانون‌های تفکر در کشورهای در حال توسعه می‌تواند سبب اداره بهتر کشور و تصمیم‌گیری درست‌تر شود.

1. Christopher Demuth, Think-tank Confidential: What I learned During Two Decades as Head of America's Most Influential Policy Shop. WSJ, 11 October, 2007.

2. Think Tank



در کشورهایی که مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری پایین‌تر است، کانون‌های تفکر نقش چشمگیری در ارائه ایده‌های مختلف به دولت‌ها دارند.^۱

بنابراین «اگر تحقیق و تحلیل قابل اعتماد در دسترس نباشد، بنیان تصمیم‌گیری در سیاست‌ها تبدیل به پول، منافع و لابی‌کننده‌ها خواهد شد».^۲

پوشش رسانه‌ها و توجه سیاستمداران و افزایش ادبیات دانشگاهی راجع به کانون‌های تفکر، نشان‌دهنده نقش فزاینده آنها در سیاستگذاری‌های کلی است.^۳

مطالعات مربوط به سیاستگذاری، بزرگ‌ترین قلمرو فعالیت کانون‌های تفکر را تشکیل می‌دهد. کانون‌های تفکر ایده‌هایی در قالب مطالعات، پیشنهادهایی درباره سیاستگذاری و تحلیل کمی و کیفی موضوعات اجتماعی مختلف را تولید می‌کنند که بناست بر سیاستگذاران، رسانه‌ها و مردم تأثیر داشته باشند.^۴

بیشتر مؤسسات سیاست‌پژوهی به شکل سازمان‌هایی غیرانتفاعی^۵ اند که در کشورهای همچون ایالات متحده آمریکا و کانادا معاف از مالیات‌اند.

سایر اندیشکده‌ها از سوی دولت‌ها، گروه‌های حامی یا بنگاه‌های تجاری تأمین مالی می‌شوند یا از طریق کارهای مشاوره‌ای و پژوهشی مربوط به پروژه‌های خود کسب درآمد می‌کنند.^۶

1. 3rd OECD Forum on Statistics, Knowledge and Policy, 27-30/10/2009; Session 2.2.d: The Role of Think Tanks

2. Rich, Andrew: Think Tanks, Public Policy and the Politics of Expertise, Cambridge University Press 2005, pp. 214 -215.

3. Four think tank perspectives, Jesper Dahl Kelstrup (an unpublished article)

4. 3rd OECD Forum on Statistics.

5. non-profit

6. wikipedia

یکی از آسیب‌های جدی در حوزه مدیریتی، گرفتار شدن تصمیم‌گیرندگان در گیرودار مسائل اجرایی روزمره است. زمانی که مدیران سرگرم سپری کردن روال‌های از پیش تعیین شده و شرکت در جلسات، پاسخگویی به مراسلات و مانند اینها می‌شوند، فرصت چندانی برای تفکر و اندیشه نخواهند یافت و در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر هم فرصت این کار را بیابند در تصمیم‌گیری، تکیه بر تفکر فردی، دستیابی به موفقیت را تضمین نمی‌کند. بنابراین لازمه عبور از این چالش، ایجاد ساختاری است که بتوان از طریق آن افکار را غنی و بارور ساخت.

پس می‌توان گفت که اتاق فکر، مرکز مطالعات پژوهشی است که در آن مطالعات و تحقیقات کاربردی انجام می‌شوند. این مرکز برای حل مسائل، خلق ایده‌های جدید و تدوین ایده‌های کلی شکل گرفته و در آن پیشنهادهای خام به سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و قابل اجرا تبدیل می‌شوند.

نقش ارزشمند اتاق‌های فکر در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تأثیر مثبت آنها در توسعه و ارتقای سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات به قشرهای متفاوت جامعه باعث شده است که این تشکیلات غیرساختارمند، امروزه جایگاهی در ساختار سازمان‌ها پیدا کنند.

روح حاکم بر فعالیت اتاق‌های فکر و آنچه در بطن تمام فعالیت‌هایی که در اتاق‌های فکر صورت می‌گیرند، باید به تصمیم‌سازی و استراتژی‌پردازی بر مسائل روز جامعه معطوف باشد. مسائلی که اگر به آنها پرداخته نشود، مشکلاتی برای حل و آینده مجموعه به جای می‌گذارد.^۱

1. <http://karafarin24.com/>



از دیدگاه برخی صاحب‌نظران مؤلفه‌ای که یک کانون تفکر را از احزاب سیاسی متمایز می‌کند، این است که کانون‌های تفکر سازمان‌هایی‌اند که نماینده گروهی نیستند. این خود یکی از مهمترین وجوه تعیین‌کننده میزان خودکفایی و استقلال یک کانون تفکر است.

یکی از راهکارهای کانون‌های تفکر به‌منظور حفظ این استقلال، تمرکز نداشتن بر موضوعی خاص و دنبال کردن استراتژی‌های مختلف است تا در بند منافع مشخصی باقی نمانند.^۱ همچنین تنوع، موازنه و ثبات منابع مالی از دیگر مؤلفه‌های مهم در تأمین استقلال یک کانون تفکر است.^۲

به‌نظر برخی دیگر، تولیدات و اهداف کانون‌های تفکر مهمترین مؤلفه‌ها برای روشن ساختن وجوه تمایز میان آنها و دیگر فعالان است. اما همچنین یک کانون تفکر برای به دست آوردن اعتبارش باید تلاش کند تا بیشترین استقلال را به‌دست آورد. البته به میزانی تحقیقات یک کانون تفکر جدی گرفته می‌شود که استقلال مالی آن تعیین‌کننده است. کانون‌های تفکر حتی اگر به چنین گروه‌هایی وابستگی داشته باشند، می‌کوشند خود را مستقل نشان داده و معرفی کنند.^۳ در حالی که اصطلاح کانون تفکر یا اندیشکده با معنای کنونی آن در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت، تاریخ چنین سازمان‌هایی به قرن نوزدهم باز می‌گردد.

1. Dahl Kelstrup, **ibid**.

2. Europe and its Think Tanks: a Promise to be Fulfilled, Stephen Boucher, Notre Europe, 2004, p.38.

3. Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise, Andrew Rich, Cambridge University Press, 2004, pp.11-12.

برای مثال مؤسسه مطالعات دفاعی و امنیتی^۱ (RUSI) در سال ۱۸۳۱ در لندن پایه‌گذاری شد و تشکیل جمعیت فابیان در بریتانیا به سال ۱۸۸۴ بازمی‌گردد.^۲ کانون تفکر، اختراع نظامی جنگ جهانی دوم و نشان‌دهنده پیچیدگی منازعات مدرن بود و از آن برای توضیح شرایط ایمن طراحان نظامی استفاده می‌شد. باید توجه داشت که در طول مراحل نخستین جنگ سرد در اواسط دهه پنجاه، کانون‌های تفکر در زمینه سیاست‌های امنیتی که نیازمند دیدگاهی میان‌رشته‌ای بودند، تخصص پیدا کردند (برای مثال راند^۳ که در ابتدا شاخه تحقیقاتی نیروی هوایی آمریکا بود). توسعه دولت‌های دمکراتیک مدرن، سبب گسترش فعالیت کانون‌های تفکر به سیاست‌های عمومی اجتماعی، اقتصادی و محیطی شد.^۴ نمودار زیر تعداد کانون‌های تفکر را در آمریکا در طول قرن گذشته نشان می‌دهد.

1. The Institute for Defence and Security Studies

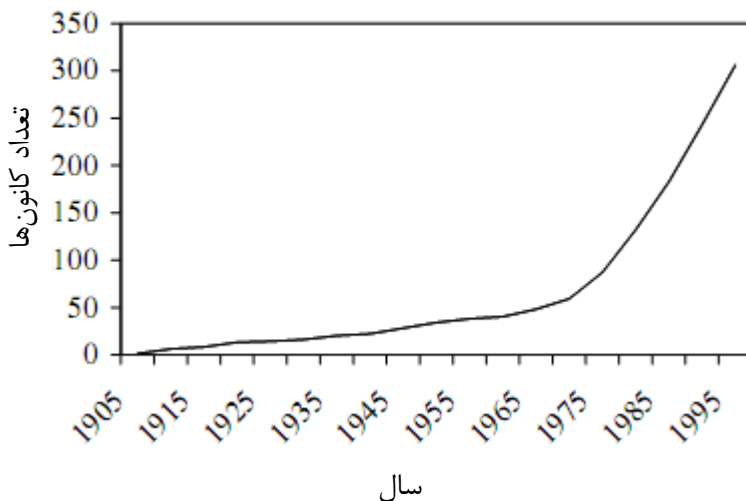
2. **Ibid.**

3. RAND

4. Globalization and Think-tanks; Security Policy Networks, Jiri Schneider; Head of Policy Planning; MFA, Prague; May 2003.



نمودار ۱. تعداد کانون‌های تفکر در آمریکا در طول قرن گذشته



بیشتر مؤسسات سیاستگذاری مستقل در طول قرن بیستم، آمریکایی بودند. تعداد اندکی نیز در کانادا، انگلیس و اروپای غربی استقرار داشتند.^۱

پس از جنگ سرد و در پی جهانی شدن و ظهور مسائل بین‌المللی، تعداد این کانون‌ها رو به افزایش نهاد.

شکل‌گیری و توسعه اندیشکده‌ها در آمریکا موجب شد تا دیگر کشورهای دنیا از جمله اروپا و آسیا نیز در صدد تأسیس چنین مراکزی برآیند. اما واشنگتن همچنان در این حوزه پیشرو بود و دولت این کشور به شدت از این مؤسسات حمایت می‌کرد.

نسل اول اتاق‌های فکر آمریکا، مؤسساتی مطالعاتی و تحقیقاتی بودند که در

1. Ogc Discussion Paper 24 – September, 2009, P.3.

دهه اول قرن بیستم با هدف انجام پروژه‌های آکادمیک، تربیت نخبگان سیاسی، جهت‌دهی غیرمستقیم سیاست‌های دولت بدون جهت‌گیری سیاسی یا گرایش به جناح سیاسی خاص شکل گرفتند.

قدیمی‌ترین اندیشکده آمریکایی، بنیاد یا موقوفه کارنگی برای صلح بین‌الملل^۱ است که در سال ۱۹۱۰ در واشنگتن توسط اندرو کارنگی^۲ بنیان‌گذاری شد و علیه جنگ فعالیت می‌کرد.

همچنین مؤسسه تحقیقات دولتی^۳ ۱۹۱۶، مؤسسه بروکینگز^۴ ۱۹۷۲ و مؤسسه دست‌راستی آمریکن اینترپرایز^۵ (طراح آمریکایی)، مهمترین نمونه‌های نسل اول اتاق‌های فکر در ایالات متحده بودند.

پس از سال ۱۹۴۵ تعداد مؤسسه‌های سیاستگذاری افزایش یافت. مسائل جنگ و بحث درباره استراتژی‌های جنگ، موضوع اصلی مورد مطالعه آنها بود.

به‌طور کلی نقش اولیه اتاق‌های فکر، ایجاد پل بین جهان ایده و عمل بوده است. اصطلاح Think Tank ابتدا برای اشاره به فضاهای خاص و امنی که طراحان و استراتژیست‌های نظامی برای تبادل نظر در آن اجتماع می‌کردند، استفاده می‌شد، اما با گذشت زمان، کاربرد این اصطلاح نیز گسترده‌تر شد و حوزه معنایی وسیع‌تری را دربرگرفت.

نسل دوم اتاق‌های فکر در ایالات متحده تقریباً همزمان با پایان جنگ جهانی

1. The Carnegie Endowment for International Peace

2. Andrew Carnegie

3. The Institute for Government Research

4. Brookings Institution

5. The American Enterprise



دوم پا به عرصه وجود نهاد. جهت‌گیری این اتاق‌های فکر با توجه به شرایط جدید بین‌المللی (ظهور ابر قدرت‌های جدید و انزوای اقتصادی، سیاسی و نظامی اکثر کشورهای اروپایی، آغاز دوران جنگ سرد و دیگر ملزومات یک جهان دوقطبی) بسیار متفاوت با نسل اول اتاق‌های فکر بود.

شرکت راند (طرف قرارداد نیروی هوایی ارتش ایالات متحده)، مؤسسه هادسون^۱ و مؤسسه ارین^۲ نمونه‌هایی از اتاق‌های فکر نسل دوم ایالات متحده‌اند.

نسل سوم اتاق‌های فکر، تقریباً تحولی عظیم در مؤسسات مطالعاتی تحقیقاتی به وجود آوردند. این نسل از اتاق‌های فکر همزمان با اوج مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری در آمریکا به وجود آمدند.

تلاش عمده این نسل از اتاق‌های فکر، یافتن بازار مناسب برای محصولات به اصطلاح روشنفکرانه و عالمانه خود بود.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی،^۳ بنیاد هریتیج^۴ و مؤسسه کاتو^۵ نمونه‌هایی از اتاق‌های فکر نسل سوم آمریکا محسوب می‌شوند.^۶

دوسوم اندیشکده‌های موجود پس از سال ۱۹۷۰ و نیمی از آنها پس از سال ۱۹۸۰ شکل گرفته‌اند. اندیشکده‌ها بر حسب دیدگاه‌های ایدئولوژیکی، منابع مالی، موضوعات مورد تأکید و مخاطبانشان با هم تفاوت دارند. برخی از آنها حزبی‌اند و برخی

-
1. Hudson Institute
 2. Urban Institute
 3. The center for Strategic and International Studies
 4. Heritage Foundation
 5. CATO
 6. <http://karafarin24.com>

موضوع محور. بعضی هم ارتباط مستقیم با دولت دارند یا مستقل‌اند. بنابراین درجه آزادی آکادمیک آنها با یکدیگر تفاوت دارد.^۱

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، استقلال مالی یکی از مهمترین مؤلفه‌های ارزیابی استقلال کانون‌های تفکر است. البته چنین نیست که در این باره همواره شفافیت وجود داشته باشد.

بعضی بر این باورند که کانون‌های تفکر علاقمند به انتشار آن نتایج خواهند بود که این کانون‌ها را از کمک‌های مالی حامیانشان مطمئن کند. همین امر یکی از دلایل مغشوش بودن تصویر کانون‌های تفکر است.^۲ به هر حال تردیدی وجود ندارد که ثبات بودجه کانون‌های تفکر تحقیقاتی بر میزان تأثیرگذاری آنها بسیار مؤثر است.^۳

براساس یک دسته‌بندی از دیانا استون،^۴ کانون‌های تفکر را می‌توان به نحو ذیل از هم تمیز داد:^۵

- کانون‌های تفکر مستقل جامعه مدنی به مثابه سازمان‌های غیرانتفاعی.
- مؤسسات تحقیقات سیاستگذاری مرتبط با دانشگاه‌ها.
- اندیشکده‌های ایجاد شده یا حمایت شده توسط دولت.
- کانون‌های تفکر ایجاد شده توسط تعاونی‌ها یا در ارتباط با کسب‌وکار.
- کانون‌های تفکر احزاب سیاسی.

1. Ibid.

2. 3rd OECD Forum on Statistics, Knowledge and Policy, 27-30/10/2009; Session 2.2.d: The Role of Think Tanks

3. Global Think Tanks: Policy Networks and Governance; James McGann, Richard Sabatini, 2011, Routledge.

4. Diane Stone, 2005, p.48.

McGann & Weaver, 2000.

۵. برای یک دسته‌بندی دیگر نگاه کنید به:



- کانون‌های تفکر جهانی (منطقه‌ای).

طبق مطالعه‌ای که توسط مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی فیلادلفیا در سال ۲۰۰۷ انجام شد، قریب به ۵۰۰۰ کانون تفکر در جهان وجود دارند که بیش از شصت درصد آنها در ایالات متحده، اروپای غربی و کانادا واقع شده‌اند.^۱ از میان آنها ۹ مرکز از مهمترین و برجسته‌ترین و با نفوذترین مراکز تحقیقاتی در دنیا به شمار می‌آیند که بین ۳۵ تا ۲۰۰ کارمند و بودجه‌ای بین ۳ تا ۳۰ میلیون دلار در اختیار دارند.

برنامه کانون‌های تفکر و جوامع مدنی^۲ در آمار سال ۲۰۱۳، تعداد کانون‌های تفکر را نزدیک به ۷۰۰۰ اعلام کرد.^۳

معرفی کانون‌های تفکر آلمان

هنگامی که به موضوع کانون‌های تفکر نگرینسته می‌شود، نمی‌توان آلمان را کشوری دانست که بیشترین مطالعه درباره کانون‌های آن صورت گرفته است. در این مورد تنها پژوهش دقیقی که انجام شده به تحقیقی برمی‌گردد که در سال ۲۰۰۸ توسط مارتین ثونرت انجام شده است.^۴

براساس آنچه پیش‌تر گفته شد در آلمان برخی کانون‌های تفکر کاملاً حزبی و

1. 3rd OECD Forum on Statistics, Knowledge and Policy.

2. Think Tanks and Civil Societies Program

3. 2013 Global Go To Think Tank Index Report, James G. McGann.

4. Think Tanks in the United Kingdom and Germany: Actors in the Modernisation of Social Democracy, Hartwig Pautz, BJPIR: 2010, VOL 12, PP. 274–294.

برخی دیگر غیرحزبی‌اند و بدون توجه به پیامدهای مربوط به احزاب سیاسی به سیاست‌پژوهی می‌پردازند. در حالی که برخی دیگر از این کانون‌ها، یکی از عملکردهای اساسی خود را حمایت فکری از احزاب و قانونگذاران سیاسی می‌دانند.

به‌طور کلی در مطالعات مربوط به اتاق‌های فکر دو رویکرد وجود دارد:

- براساس موضوعاتی چون مدیریت، منابع، کارکنان و استراتژی‌ها که بیشتر به مؤلفه استقلال کانون‌ها مرتبط است.

- رویکرد دیگر بر اساس تأثیر کانون‌های تفکر بر سیاست و سیاست‌گذاری^۱.

کانون‌های تفکر آلمان با تعداد زیادی از سازمان‌ها و پژوهشگران شناخته می‌شوند که در سرتاسر کشور پراکنده‌اند.

بر اساس تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ انجام شده است، تخمین تعداد کانون‌های تفکری که در آلمان فعالیت می‌کنند، بین ۷۰ تا ۱۰۰ سازمان متغیر است.^۲ اگر تعریف کانون تفکر را گسترده‌تر کنیم تا شامل آکادمی‌های مختلفی نیز باشد که توسط کلیسا حمایت می‌شوند (که گاهی به مثابه کانون‌های تفکر پاره‌وقت عمل می‌کنند) و نیز شامل بنیادهای فعال و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی باشند، آن‌گاه این تعداد از ۱۰۰ فراتر خواهد رفت.

البته براساس آمار جدیدتر برنامه کانون‌های تفکر و جوامع مدنی در سال ۲۰۱۳، آلمان با داشتن ۱۹۴ کانون تفکر، پس از ایالات متحده، چین، انگلیس و هند، رتبه

1. The Development and Significance of Think Tanks in Germany; Martin W. Thunert; German Policy Studies, Volume Three, Number 2, 2006, pp. 185-221.

2. See Day 2000.



پنجم کانون‌های تفکر جهان را دارد.^۱

بیش از نیمی از مؤسسات تحقیقاتی آلمان در ربع قرن پایانی قرن بیستم پایه‌گذاری شدند، گرچه بخش قابل توجهی از بزرگ‌ترین کانون‌های تفکر با بهترین منابع مالی به سال‌های پیش از ۱۹۷۵ برمی‌گردند.

در مقایسه با کشورهای دیگر به خصوص ایالات متحده و انگلیس، درصد کانون‌های تفکری که دولت، منابع مالی آنها را تأمین می‌کند، بسیار بالاست و به حدود ۷۵ درصد می‌رسد.

در این میان حدود ۱۲ مؤسسه بزرگ غیردانشگاهی وجود دارند که بودجه سالیانه‌ای بالغ بر ۵ تا ۱۴ میلیون یورو و بین ۳۰ تا ۴۰ محقق دارند.

به استثنای تعداد انگشت‌شماری بنیادهای فعال خصوصی مانند بنیاد برتلسمان،^۲ مؤسسات بزرگ‌تر، منابع شان را از دولت فدرال یا دولت‌های ایالتی دریافت می‌کنند یا بودجه خود را به نحو مشترک هم از دولت و هم از بدنه‌های تحقیقاتی همچون جامعه ماکس پلانک^۳ یا جامعه فرانیهوفر^۴ تأمین می‌سازند.

برای حدود ۴۵ درصد از کانون‌های تفکر، تحقیقات قراردادی منبع درآمد مهمی است، اما جدا کردن مؤسسات قراردادی از کانون‌های تفکر آکادمیک کار سختی است.

نقش پررنگ دولت‌های محلی به مثابه سرمایه‌گذاران این بخش، نمایانگر ساختار فدرال کشور آلمان است.

1. 2013 Global Go To Think Tank Index Report, James G. McGann, P.21.

2. Bertelsmann Foundation

3. Max Planck Society

4. Fraunhofer Society

کانون‌های تفکر آلمانی مانند کانون‌های تفکر سایر کشورها، پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. ۴۰ درصد از کانون‌های تفکر کنونی بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۷۵ و ۵۰ درصد آنها در سال‌های بعد پایه‌گذاری شده‌اند.

اما این بدان معنا نیست که پیش از جنگ، هیچ کانونی در این کشور وجود نداشته است. برخی کانون‌های تفکر پس از جنگ در واقع حاصل بازسازی و فعالیت مجدد کانون‌های پیش از جنگ بودند. البته تعداد آنها چندان زیاد نیست و کمتر از ۱۰ درصد کانون‌های تفکر آلمانی به جمهوری وایمار یا حتی امپراتوری آلمان برمی‌گردند.

از میان ۶ مؤسسه تحقیقات اقتصادی بزرگ، بایگانی اقتصاد جهانی هامبورگ^۱ ۱۹۰۸، مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل^۲ ۱۹۱۴، مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان در برلین^۳ ۱۹۲۵، آغاز به کار دوباره مؤسساتی کردند که پیش از جنگ نیز وجود داشتند.^۴

برنامه کانون‌های تفکر و جوامع مدنی در یک دهه اخیر، آمار دقیقی درباره شاخص‌های مختلف مربوط به فعالیت کانون‌های تفکر ارائه می‌دهد. در ادامه به برخی از این آمارها و شاخص‌ها و جایگاه کانون‌های تفکر آلمان در آنها اشاره می‌کنیم.

کانون‌های تفکر ذیل در میان ۱۰۰ کانون تفکر برتر غیرآمریکایی قرار دارند (اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده رتبه آن کانون است):

- شفافیت بین‌المللی^۵ (۵)،

-
1. Hamburgische Welt-Wirtschafts-Archiv
 2. Institut für Weltwirtschaft: IFW
 3. Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung: DIW
 4. Thunert, 2006.
 5. Transparency International (TI)



- بنیاد کنراد آدناور^۱ (۱۵)،
- بنیاد فریدریش ابرت^۲ (۱۶)،
- مؤسسه امور امنیتی و بین‌المللی آلمان^۳ (۱۷)،
- مجمع سیاست خارجی آلمان^۴ (۲۷)،
- مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل (۲۹)،
- مؤسسه توسعه آلمان^۵ (۳۹)،
- مرکز بین‌المللی تبدیل^۶ (۷۰)،
- مؤسسه هاینریش بل^۷ (۸۸).

لازم به ذکر است که سازمان شفافیت بین‌المللی، رتبه نخست را در میان کانون‌هایی دارد که به پژوهش در زمینه شفافیت و حکومت‌داری می‌پردازند. شفافیت بین‌المللی سازمان غیردولتی است که وضعیت فساد را در کشورهای مختلف جهان بررسی کرده و نتایج تحقیقات خود را به صورت عمومی منتشر می‌کند. این سازمان که ابتدا در آلمان و در سال ۱۹۹۳ به عنوان سازمانی غیرانتفاعی شکل گرفت، هم‌اکنون سازمانی غیردولتی و بین‌المللی محسوب می‌شود و در بیش از ۱۰۰ کشور شعبه دارد.

1 Konrad Adenauer Foundation (KAS)

2. Friedrich Ebert Foundation (FES)

3. German Institute for International and Security Affairs (SWP):) <http://www.swp-berlin.org/>

4. German Council on Foreign Relations (DGAP): <http://www.dgap.org/>

5. German Development Institute(DIE): <http://www.die-gdi.de>

6. Bonn International Center for Conversion (BICC)

7. Heinrich Boll Stiftung (HBS)

داشتن رتبه ۵ در میان ۱۰۰ کانون تفکر برتر جهانی غیرآمریکایی و رتبه ۱۳ در میان ۱۵۰ کانون تفکر برتر، نشان‌دهنده جایگاه ممتازی است که این کانون در مدت زمان نه چندان زیادی که از تأسیس آن گذشته، به دست آورده است. دو گزارش مهم سالیانه این سازمان، «فشارسنج فساد جهانی» و «شاخص مشاهدات فساد» اند که وضعیت فساد را در کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کنند.

بزرگ‌ترین موفقیت این سازمان برجسته کردن مسئله فساد در رسانه‌ها بوده است. سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هم‌اکنون فساد را یکی از موانع اصلی پیشرفت برمی‌شمرند، در حالی که تا پیش از دهه ۱۹۹۰، این موضوع چندان مورد بحث نبود.

علاوه بر این، سازمان شفافیت بین‌المللی، نقشی حیاتی در ایجاد کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد و همچنین کنوانسیون او.ای.سی.دی علیه رشوه‌بازی کرده است. اگر کانون‌های تفکر آمریکایی را نیز در این رتبه‌بندی جای دهیم، جایگاه کانون‌های تفکر آلمان مسلماً تغییر می‌کند.

در میان ۱۵۰ کانون تفکر که شامل کانون‌های آمریکایی نیز می‌شوند، سه کانون آلمانی دیگر به چشم می‌خورند:

- مؤسسه تحقیقات آثار آب و هوا در پوتسدام^۱ (۱۱۶)،

- بنیاد آزادی فریدریش نومان^۲ (۱۲۵)،

1. Potsdam Institute for Climate Impact Research (PIK)

2. Friedrich Naumann Foundation for Freedom (FNF)



- مؤسسه تحقیقات اقتصادی^۱ (۱۳۶).

در رتبه‌بندی برترین کانون‌های تفکر اروپای غربی، دو کانون هانس زایدل^۲ و برتلسمان به کانون‌ها پیشین افزوده می‌شوند.

در میان ۶۵ کانون تفکر برتر در زمینه دفاع و امنیت ملی، کانون‌های آلمانی ذیل دیده می‌شوند:

- مؤسسه امور امنیتی و بین‌المللی آلمان (۳۱)،

- مؤسسه مطالعات صلح و جنگ هسه^۳ (۴۳)،

- بنیاد فردریش ابرت (۶۲).

در میان ۸۰ کانون تفکر در زمینه سیاست‌های اقتصادی بومی، کانون‌های تفکر آلمانی از این قرارند:

- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان (۱۰)،

- مؤسسه تحقیقات اقتصادی (۱۵)،

- مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل (۱۸)،

- مرکز تحقیقات اقتصادی اروپا^۴ (۴۵).

از ۷۰ کانون تفکر برتر در زمینه محیط زیست، کانون‌های زیر آلمانی‌اند:

- مؤسسه اکولوژیک (۹)،

- مؤسسه تحقیقات آثار آب و هوا در پوتسدام (۱۲)،

1. Institute for Economic Research (IFO)

2. Hanns Seidel Foundation

3. Hessische Stiftung Friedens und Konfliktforschung(HSFK)

4. Center for European Economic Research

- مرکز تحقیقات محیط زیستی^۱ (۱۴)،

- مؤسسه ورنپرتال^۲ (۴۱)،

- مؤسسه اوکو (۴۹).

- مؤسسه امور امنیتی و بین‌المللی آلمان (۶)،

- شفافیت بین‌المللی (۱۶)،

- مجمع سیاست خارجی آلمان (۳۲).

کانون‌های تفکر آلمانی در میان ۶۵ کانون تفکر فعال در زمینه سیاست خارجی و امور بین‌الملل محسوب می‌شوند. مؤسسه امور امنیتی و بین‌المللی آلمان نمونه‌ای برجسته از یک اندیشکده سیاست خارجی در آلمان است.

در میان ۸۰ کانون تفکر فعال در زمینه توسعه بین‌المللی، کانون‌های توسعه آلمان (۱۳)، کونراد آدناور (۲۲) و فریدریش ابرت (۲۳) قرار گرفته‌اند.

در زمینه سیاست‌های اقتصادی، مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل (۶) و مؤسسه تحقیقات اقتصادی (۳۱) در میان ۵۰ کانون تفکر برترند.

آنچه جالب توجه است اینکه از میان ۵۰ کانون تفکر برتر در بخش علم و تکنولوژی، رتبه نخست متعلق به مؤسسه ماکس پلانک است.

دو کانون دیگر فعال در این زمینه، مرکز تحقیقات توسعه^۳ (۵) و بنیاد برتلسمان (۱۸) قرار دارند.

1. Das Helmholtz-Zentrum für Umweltforschung (UFZ)

2. Wuppertal Institute

3. Center for Development Research (ZEF)



مؤسسه تحقیقات اجتماعی ماکس پلانک^۱ با رتبه ۶، تنها کانون تفکر آلمانی ذکر شده در میان ۵۰ کانون تفکر فعال در زمینه سیاست‌های اجتماعی است. آمار ارائه شده همچنین نشان‌دهنده وابستگی‌های بیشتر حزبی کانون‌های تفکر آلمان نسبت به مناطق دیگر است.

از میان فهرست ۳۰ گانه شامل بهترین کانون‌های تفکر با وابستگی‌های حزبی، ۶ کانون تفکر آلمانی‌اند که سه تای آنها رتبه‌های اول تا سوم را در این مورد دارند:

- بنیاد آدناور (۱)،
- بنیاد فریدریش ابرت (۲)،
- مؤسسه هاینریش بل^۲ (۳)،
- بنیاد فریدریش ناومان^۳ (۴)،
- بنیاد هانس زایدل (۸)،
- بنیاد رزا لوکزامبورگ^۴ (۲۰).

گونه‌شناسی کانون‌های تفکر در آلمان

به‌طور کلی، منظره کانون‌های تفکر آلمانی در قالب گونه‌شناسی‌های بین‌المللی جای می‌گیرد.^۵ هرچند بخش مؤسسات تحقیقاتی خصوصی و حامی-محور^۶ نسبت به

1. Max-Planck-Institut für Gesellschaftsforschung (MPIfG)
2. Heinrich Boll Stiftung (HBS)
3. Friedrich Naumann Foundation (FNS)
4. Rosa Luxemburg Foundation
5. Weaver and McGann 2000
6. advocacy-oriented

کشورهای انگلو- آمریکایی توسعه کمتری یافته است:

جدول ۱. گونه‌شناسی کانون‌های فکر در آلمان

درصد (از میان ۹۳ کانون)	گونه‌شناسی کانون‌های فکر در آلمان
۷۵	کانون‌های تفکر دانشگاهی*
۲۰	اندیشکده‌های حمایتی**
۵	کانون‌های تفکر حزبی***

* Academic Think Tanks

** Advocacy Institutes

*** Party Think Tanks

کانون‌های تفکر آکادمیک و دانشگاهی

این کانون‌ها بزرگ‌ترین گروه در میان کانون‌های تفکر آلمانند که آنها را می‌توان به دسته‌های ذیل تقسیم کرد:^۱

- توسط دولت ایجاد شده‌اند، اما مستقل و درون رهنمون‌های بخش عمومی کار می‌کنند.

- مؤسسه‌های غیردانشگاهی (اغلب مؤسسه‌های جامعه لایب‌نیتس).

- مراکز تحقیقات سیاست عملی وابسته به دانشگاه.

- کانون‌های تفکر آکادمیک با بودجه خصوصی قابل توجه.



ایجادشده توسط دولت: دولت فدرال کانون‌های تفکر وزارتی^۱ متعدد و تعدادی مؤسسه شبه‌مستقل را ایجاد کرد که مؤسسه امنیت و امور بین‌الملل آلمان بزرگ‌ترین آنهاست.

بین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، دولت‌های محلی تبدیل به حامیان اصلی کانون‌های تفکر آکادمیک شدند به خصوص در زمینه‌های صلح و منازعه، محیط زیست، تکنولوژی و تحقیقات اقتصادی.

جامعه لایب‌نیتس: بزرگ‌ترین گروه آکادمیک کانون‌های تفکر، مؤسسه‌های لایب‌نیتس به شمار می‌روند.

در میان این گروه که شامل بیش از ۵۰ مؤسسه تحقیقاتی غیردانشگاهی است و بیشتر آنها هم از دولت فدرال و از ایالت‌ها کمک می‌گیرند، حدود دوازده مؤسسه تحقیقات راجع به سیاستگذاری‌های کاربردی را بر عهده دارند.

برجسته‌ترین آنها، ۶ مؤسسه اقتصادی بزرگ با بیش از ۴۰۰ پژوهشگر در زمینه اقتصادند. تأمین بودجه مشترک آنها توسط دولت‌های ملی و ایالتی نه تنها نشان‌دهنده ساختار فدرال کشور آلمان است، بلکه همچنین بیانگر تمایل به تشویق دیدگاه‌های مختلف در سیاستگذاری‌های اقتصادی و توسعه اقتصاد آلمان است.

این ۶ مؤسسه هر دو سال یک‌بار، گزارش مشترکی را راجع به وضعیت کوتاه مدت و بلندمدت اقتصاد آلمان منتشر می‌کنند. این گزارش مشترک توجه رسانه‌ها، دولت، بانک مرکزی، گروه‌ها و فعالان جامعه اقتصادی را به خود جلب می‌کند. این گزارش‌ها، بیش از آنکه بر تعیین خط‌مشی‌ها تأثیر داشته باشند، گفتگوهای عمومی راجع به

مشروعیت سیاست‌های اقتصادی دولت را برمی‌انگیزند.

مؤسسات دیگر جامعه لایبنیتس که تحقیقات راجع به سیاستگذاری را دنبال می‌کنند، شامل موارد ذیل است:

مرکز علمی تحقیقات اجتماعی برلین (WZB)^۱ که در سال ۱۹۶۹ در طرح

فرا حزبی اعضای فدرال آلمان با الهام از مؤسسه بروکینگز در واشنگتن پایه‌گذاری شد.

بنیاد مطالعات جهانی و منطقه‌ای آلمان (GIGA)^۲، سازمانی که شامل گروهی

از مؤسسات مطالعات منطقه‌ای در هامبورگ می‌شود که در مسائل آسیا، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین تخصص دارند.

مراکز تحقیقات سیاست عملی وابسته به دانشگاه: بسیاری از کانون‌ها تفکر

آلمان به دانشگاه‌ها وابسته‌اند یا در فضایی شبه‌آکادمیک فعالیت می‌کنند.

مرکز تحقیقات سیاست عملی دانشگاه مونیخ (CAP)^۳ با داشتن بیش از ۵۰

پژوهشگر از بزرگ‌ترین این کانون‌های فکری است. این مرکز نمونه‌ای غیرعادی از یک مؤسسه تحقیقاتی دانشگاهی است. زیرا بخش قابل توجهی از پشتوانه مالی‌اش را از دولت (اتحادیه اروپا) و منابع بخش خصوصی تهیه می‌کند.

در موارد دیگر، تمایز دقیق نهادن میان تحقیقات آکادمیک و کارهایی که به‌منظور

سیاستگذاری‌هاست، کار آسانی نیست.

از دیگر مؤسسات وابسته به دانشگاه، می‌توان مؤسسه توسعه و صلح دانشگاه

1. Wissenschaftszentrum Berlin für Sozialforschung

2. German Institute for Global and Area Studies

3. Center for Applied Policy Research



دوئیسبرگ^۱ را نام برد که از مؤسسه وولدواچ الهام گرفته است.

همچنین مرکز مطالعات اقتصادی مونیخ^۲ که بازوی آکادمیک مؤسسه IFO است. به‌علاوه مرکز تحقیقات همگرایی اروپا^۳ و مرکز تحقیقات توسعه در بُن^۴ از این جمله‌اند.

دو مرکز اخیر که در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی پایه‌گذاری شدند، بودجه قابل توجهی از سوی دولت دریافت کردند تا خسارات وارد آمده بر شهر بُن به سبب از دست دادن جایگاهش به‌عنوان پایتخت آلمان تا حدودی جبران شده باشند.

کانون‌های تفکر آکادمیک با بودجه خصوصی قابل توجه دو استثنای عمده برای جایگاه کانون‌های تفکر آکادمیک‌اند که بودجه دولتی دارند، یکی مجمع سیاست خارجی آلمان^۵ است که از مجمع روابط خارجی^۶ در نیویورک و مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل^۷ در لندن الگوبرداری شده است.

این مجمع، شبکه ملی سیاست خارجی آلمان است. به‌عنوان سازمانی مستقل، خصوصی، غیرحزبی و غیرانتفاعی و به نحوی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش فعال دارد و فهم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل آلمان را ترقی می‌دهد. سیاستمداران در زمینه سیاست خارجی، از این بنیاد همچون پلی میان خود و جامعه آلمان استفاده

1. Institute for Development and Peace

2. Center for Economic Studies (CES)

3. Center for European Integration Research (ZEI)

4. Center for Development Research (ZEF)

5. Deutsche Gesellschaft für Auswärtige Politik (German Council on Foreign Relations): DGAP

6. Council on Foreign Relations

7. Royal Institute of International Affairs

می‌کنند. تألیفات این مجمع بیشتر در مجله سیاست بین‌الملل^۱ به چاپ می‌رسند. استثنای دیگر **بنیاد برتلسمان** است که در سال ۱۹۷۷ پایه‌گذاری شد و از دهه ۱۹۹۰ به بعد نقش بارزی در میان مؤسسات تحقیقاتی خصوصی پیدا کرده و منابع آن با بزرگ‌ترین مؤسساتی که بودجه دولتی دارند برابری می‌کند و حتی از آنها فراتر می‌رود. به علاوه کانون‌های تفکر بین‌المللی و شاخه‌هایی از کانون‌های تفکر آمریکایی، فعالیت‌هایشان را در برلین افزایش داده‌اند. از آن جمله می‌توان مؤسسه اسپن^۲ و آکادمی آمریکایی^۳ را نام برد.

کانون‌های تفکر حمایتی یا وکالتی^۴

این کانون‌های تفکر برخلاف کانون‌های آکادمیک به وضوح به حمایت از آرمان‌ها و علایق خاص سیاسی می‌پردازند. این دسته هم شامل کانون‌هایی وابسته به گروه‌های خاص ذینفع در موضوعات مختلف می‌شود و هم شامل بنیادهای سیاسی خواهد بود که به احزاب سیاسی وابسته‌اند (که در بخشی مجزا معرفی خواهند شد) و هم مؤسساتی که مستقل بوده و برای احزاب و گروه‌های ذینفع فعالیت می‌کنند.

سازمان‌های وابسته به فدراسیون اصناف آلمان، کنفدراسیون انجمن‌های کارفرمایان آلمان، کلیساهای کاتولیک و پروتستان یا گروه‌های ذینفع تک‌موضوعی مانند اتحادیه مالیات‌دهندگان از جمله این دسته کانون‌های تفکر محسوب می‌شوند. کانون‌ها،

-
1. Internationale Politik
 2. Aspen-institute
 3. American Academy
 4. Advocacy Think Tanks



پژوهشکده‌ها و دیگر اتحادیه‌های فعال در بخش صنعت، تجارت و مسائل کارگری را نیز باید در این دسته قرار داد.^۱

دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی شاهد ظهور تعداد کوچکی از کانون‌های تفکر حمایتی مستقل‌تر بود که اغلب توسط آکادمی‌های کارآفرینی، سیاستمداران یا فعالان اجتماعی پایه‌گذاری شدند. مانند:

مؤسسه اقتصاد و اجتماع بن^۲ که نسخه‌ای مینیاتوری است از مؤسسه طرح آمریکایی^۳ است که توسط سیاستمدار دمکرات مسیحی، کورت بیدنهورف^۴ و اقتصاددانی به نام ماینهارد میگل^۵ در سال ۱۹۷۷ پایه‌گذاری شد.

مؤسسه اوکو در فرایبورگ به سال ۱۹۷۷ یا بنیاد اقتصاد بازار^۶ به سال ۱۹۸۲ نیز در این دسته کانون‌ها جای می‌گیرند.

یکی از بهترین نمونه‌های نگاه تازه به تحقیقات حمایتی به شکل کانون‌های تفکر، INSM^۷ است که سالیانه حدود ۱۰ میلیون یورو از فعالان صنعت فولاد و برق آلمان دریافت می‌کند. جامعه هدف این طرح، نه تصمیم‌گیرندگان سیاسی و احزاب، بلکه تأثیرگذاران و تغییردهندگان فضای باورهای عمومی در آلمان است.

1. Thunert, 2006.

2. Institut für Wirtschaft und Gesellschaft

3. American Enterprise Institute

4. Kurt Biedenkopf

5. Meinhard Miegel

6. Foundation for Market Economics

7. Initiative for a New Social Market Economy

کانون‌های تفکر حزبی

یک گروه متمایز در میان کانون‌های تفکر، کانون‌های تفکر وابسته به حزب یا همان بنیادهای سیاسی‌اند^۱ (آن گونه که خودشان تمایل دارند خوانده شوند). اگرچه نام بنیاد ممکن است این گمان را ایجاد کند که این سازمان‌ها بر مبنای سرمایه‌های خیرین بشردوست اداره می‌شوند، اما در حقیقت ایجاد آنها به اراده و تصمیمی سیاسی در دهه ۱۹۶۰ میلادی بازمی‌گردد که به دنبال وسیله‌ای برای تقویت ارزش‌های دموکراتیک در جامعه آلمان و همچنین گسترش روابط بین‌المللی بود.^۲

این سازمان‌ها در آلمان نسبت به مناطق دیگر برجسته‌تر و داری بودجه بهتری‌اند جایگاه شبه‌رسمی احزاب سیاسی در قانون اساسی اصل بیست‌ویکم از یک سو و تمایل به اینکه با وجود انجام نشدن فعالیت‌های مختلف آموزشی، تحقیقاتی و بین‌المللی به‌طور مستقیم از طریق احزاب، این فعالیت‌ها کاملاً هم از تأثیر احزاب به دور نباشند، سبب سرازیر شدن درصد هنگفت، البته رو به کاهشی از بودجه دولتی (تقریباً ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰) به سمت بنیادهای سیاسی شده است. یعنی اگرچه این بنیادهای سیاسی دارای ارزش‌های سیاسی حزب نزدیک به خودشانند، اما موقعیت سازمانی، قانونی و مالی آنها، سبب مستقل بودن‌شان می‌شود.^۳ هم‌اکنون ۶ بنیاد این چنینی در آلمان وجود دارند که هر یک وابسته به حزب خاصی‌اند:

-
1. Politische Stifungen
 2. Peter R. Weilemann, 2009.
 3. **Ibid.**



جدول ۲. کانون یا بنیادهای سیاسی

نام کانون یا بنیاد سیاسی	تاریخ تأسیس	حزب سیاسی وابسته
بنیاد فریدریش ابرت	۱۹۲۵	سوسیال دمکراتیک (SPD)
بنیاد کونراد آدناور	۱۹۶۴	دمکرات مسیحی (CDU)
بنیاد هانس زایدل	۱۹۶۷	اتحادیه سوسیال مسیحی (CSU)
بنیاد فریدریش ناومان	۱۹۵۸	دمکراتیک آزاد (FDP)
بنیاد هاینریش بل	۱۹۹۶	اتحاد ۹۰- سبزها
بنیاد روزا لوکزامبورگ	۱۹۹۸	دمکراتیک سوسیالیسم (PDS)

بنیاد فریدریش ابرت از قدیمی‌ترین بنیادهای سیاسی وابسته به حزب در آلمان است که در سال ۱۹۲۵ به‌عنوان میراث سیاسی فریدریش ابرت، نخستین رئیس‌جمهوری آلمان که به‌صورت دمکراتیک انتخاب شده بود، تأسیس شد و هم‌اکنون در بیش از صد کشور دارای دفاتر بوده و پروژه‌های بسیاری را دنبال می‌کند. هدف نخستین این بنیاد که وابسته به حزب سوسیال دمکراتیک است، کمک به گسترش عدالت آموزشی بوده است، اما فعالیت‌های آن هم‌اکنون بر پیشبرد مسائل سیاست عمومی بر اساس معیارهای سوسیال دمکراسی، از طریق آموزش، پژوهش و همکاری‌های بین‌المللی متمرکز است. همچنین بروز تهدیدهای امنیتی تازه در جهان، بحران‌های اقتصادی، روابط اتحادیه اروپا و آمریکا، مسائل خاورمیانه، امنیت انرژی، افزایش قدرت نظامی چین و تغییرات آب و هوایی از جمله موضوعاتی‌اند که در کانون توجه این بنیاد قرار دارند.^۱

1. en.wikipedia.org, <http://www.fesdc.org/>

بنیاد هانس زایدل، وابسته به اتحادیه سوسیال مسیحی از چهار گروه اصلی تشکیل شده است: آکادمی علوم سیاسی و امور جاری^۱ که کارگاه‌های آموزشی، کنگره‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی برگزار می‌کند تا کارشناسان از سراسر دنیا راجع به مسائل مختلف توسعه سیاسی تبادل نظر کنند.

مؤسسه آموزش مدنی بزرگسالان^۲، سمینارهایی آموزشی به‌منظور آموزش سیاسی بر اساس معیارهای مسیحیت برگزار می‌کند تا اذهان شهروندان را برای پذیرش و پایبندی به اصول دمکراتیک آشنا کرده و مهارت‌های لازم را در اختیار آنها قرار دهد. سازمان بورسیه‌ها^۳ وظیفه انتخاب دانشجویان نخبه و اعطای بورس تحصیلی به آنها را بر عهده دارد.

مؤسسه همکاری‌ها و ارتباطات بین‌المللی^۴ وظیفه پیگیری و اجرای آرمان‌های این بنیاد را در دیگر کشورها به ویژه قاره افریقا بر عهده دارد.^۵

بنیاد فریدریش ناومان وابسته به حزب دمکراتیک آزاد، بنیادی سیاسی در زمینه سیاست‌های لیبرال است که در سال ۱۹۵۸ توسط تئودور هویس تأسیس شد. این بنیاد از ایده‌ها و آرمان‌های متاله پروتستان، فریدریش ناومان، حمایت می‌کند. ناومان، در سال‌های آغازین قرن بیستم، از متفکران پیشرو لیبرال در آلمان بود و به سختی از ایده آموزش مدنی پشتیبانی می‌کرد. او بر این باور بود که یک دمکراسی کارآمد به شهروندانی تحصیلکرده، آموزش‌دیده و آگاه به مسائل سیاسی نیاز دارد. به عقیده او

1. Academy for Politics and Current Affairs

2. Institute for Political Education

3. Institute for Scholarship Programmes

4. Institute for International Cooperation

5. <http://en.wikipedia.org/>



آموزش مدنی پیش‌شرط مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری است. بر همین اساس بنیادی که به نام اوست، از طریق آموزش مدنی، گفتگوهای سیاسی بین‌المللی و مشاوره سیاسی، این اهداف را دنبال می‌کند. این بنیاد دفاتر مختلفی در اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا دارد. همچنین بنیاد مذکور علاوه بر برنامه‌های آموزشی ملی و بین‌المللی برای پیروزی نامزدانی با اندیشه‌های لیبرال در صحنه سیاسی آلمان حمایت می‌کند. این بنیاد برای توسعه نهادهای دموکراتیک و ساختارهای سیاسی قانون‌مدار از گروه‌ها و احزاب لیبرال در کشورهای دیگر هم حمایت می‌کند. بنابراین اساس فعالیت‌های این بنیاد را، شبکه‌ای از مؤسسات دموکراتیک وابسته به احزاب، سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای آکادمیک تشکیل می‌دهد.^۱

هاینریش بل، بنیادی سیاسی است که از نظر قانونی مستقل، اما وابسته به حزب سبزها بوده که در دهه ۱۹۸۰ تأسیس و در دهه ۱۹۹۰ بازسازی شد. این بنیاد در واقع نهادهای برای دیدگاه‌ها و پروژه‌های به اصطلاح سبز و کانون تفکری برای ایجاد مجموعه‌ای از اصلاحات در سیاست‌گذاری‌هاست. این بنیاد بخشی از یک جنبش سیاسی جهانی است که در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. از جمله مهمترین اصول و اهدافی که این بنیاد برای خود برشمرده، اکولوژی، توسعه پایدار، دموکراسی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت و عدالت است.

همچنین این بنیاد خود را متعهد به حقوق برابر فرهنگی، جنسی و قومی اقلیت‌ها دانسته و از مشارکت سیاسی و اجتماعی مهاجران حمایت می‌کند. مرکز این بنیاد در برلین بوده و بیش از ۳۰ دفتر در سراسر جهان همچون پکن،

1. <http://en.wikipedia.org/> <http://www.en.freiheit.org/>

کابل و دهلی دارد.

عمده تألیفات و پروژه‌های بنیاد مذکور در باب این موضوعات است: تغییرات آب و هوا، سیاستگذاری‌های منابع، سیاست‌های اتحادیه اروپا، بحران‌های اقتصادی و مالی. بنیاد هاینریش بل یکی از ۱۲ بنیادی است که از وزارت آموزش و تحقیقات فدرال آلمان به منظور اعطای بورسیه به دانشجویان ممتاز، کمک مالی دریافت می‌کند.^۱ تحقیق و تحلیل می‌تواند ۱۵ تا ۲۰ درصد هزینه و فعالیت‌های یک بنیاد حزبی را شامل شود. هرچند نباید از کارکرد کانون‌های تفکر در بنیادهای سیاسی آلمان غافل شد و نباید درباره آنها بزرگنمایی کرد.

مشخصه‌های اصلی کانون‌های تفکر آلمان

مشخصه نظام کانون‌های تفکر در آلمان، تعداد زیاد سازمان‌های مستقلی است که بیرون از ساختارهای دولت قرار دارند، اما با وجود این ازسوی همین ساختارهای دولتی حمایت، تأمین مالی و گاهی نیز اداره می‌شوند. در آلمان اغلب کانون‌های تفکر نه مؤسساتی‌اند که تنها روی یک موضوع کار کنند و نه مؤسساتی که همه نوع خدماتی را ارائه دهند، هرچند بنیاد برتلسمان و بنیادهای حزبی بزرگ‌تری همچون بنیادهای کونراد آدناور، هانس زایدل و فردریش ابرت را می‌توان مستثنا دانست. یعنی بیشتر مؤسسات در موقعیتی بینابین قرار دارند.

نزدیک به ۳۳ درصد کانون‌های تفکر آلمان، در زمینه مسائل اقتصادی فعالند.

1. <http://en.wikipedia.org/>



۲۶ درصد در زمینه بازار کار فعالیت دارند.

۲۲ درصد نیز بر سیاست‌های عمومی متمرکزند.

۲۷ درصد مؤسسات به سیاست خارجی و امنیت می‌پردازند،

۲۴ درصد آنها در مسائل مربوط به سیاست‌های اتحادیه اروپا مشغولند.

تقریباً ۲۰ درصد کانون‌ها به مسائلی همچون آموزش، محیط زیست، سیاست

شهری و جهانی‌سازی می‌پردازند.

درصد کمتری نیز در حوزه علم، تکنولوژی، انرژی و بهداشت فعالند.^۱

در آلمان بیشتر کانون‌های تفکر به‌ویژه کانون‌های تفکر آکادمیک، ادعای استقلال و

تعهد به عینیت دارند، اما نمی‌توان چنین ادعاهایی را کاملاً باور کرد. ارزش‌ها و

برتری‌های اعضای بلندمرتبه یا کلیت خط‌مشی‌های برتر حامیان آنها، محدودیت‌هایی

برای هر سازمان تحقیقاتی نسبت به ایده‌هایی که می‌توانند از آنها دفاع کنند، به‌وجود

می‌آورند.

منبع اصلی درآمد کانون‌های تفکر آلمانی، ابتدا در سطح ملی و منطقه‌ای و سپس

به نحو فزاینده‌ای در سطح اتحادیه اروپا، همچنان دولت است. البته بودجه‌های دولت

کم کم به سمت تخصصی شدن و به منظور پروژه‌های خاص و تعریف شده پیش رفته و

میزان بودجه‌های کلی مؤسسات کاهش یافته است.

در اواخر دهه ۱۹۹۰، دولت فدرال آلمان به برلین منتقل شد. به همراه این انتقال

بسیاری از مؤسسات، دفاتر دولتی، سازمان‌های علمی، روزنامه‌نگاران و نمایندگان

گروه‌های مختلف به برلین نقل مکان کردند. با رقابتی شدن بیشتر فضای رسانه و با

1. Thunert, 2006.

افزایش تعداد و جنب و جوش سازمان‌های فعال در امور داخلی، دولتی و چانه‌زنی، نیاز به تحلیل و ابراز عقیده راجع به سیاست‌ها افزایش یافته بود.

از نظر جغرافیایی همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، زیرساخت‌های مربوط به سیاست‌پژوهی به‌طور قابل توجهی در شهرهای مختلف آلمان پراکنده‌اند و کانون‌های تفکر به استثنای مؤسسات سیاست خارجی و امنیت، همه در پایتخت متمرکز نشده‌اند.

این پراکندگی وسیع نتیجه ساختار منحصر به فرد فدرال آلمان و نقش پررنگی است که دولت‌های محلی در تأمین بودجه کانون‌ها بازی می‌کنند.^۱

کانون‌های تفکر برحسب استانداردهای اروپایی، به‌طور متوسط، سازمان‌های نسبتاً بزرگی به حساب می‌آیند. از میان ۶۰ کانون تفکری که تعداد اعضایشان مشخص است، کارکنان ۱۵ کانون بین ۵۱ تا ۱۰۰ و ۱۳ کانون بیش از ۱۰۰ کارمند دارند. در این نمونه، ۲۸ کانون کمتر از ۵۰ کارمند دارند.

در اواسط دهه ۱۹۹۰، امنیت شغلی برای موقعیت‌های کاری تازه به شدت کاهش یافت. بخشی از این مسئله ناشی از کاهش کلی بودجه و افزایش بودجه‌های پروژه‌محور بود، اما این مسئله همچنین منعکس‌کننده تمایل گردانندگان به انعطاف بیشتر در خلق گروه‌های تحقیقاتی تازه و راهی برای ممانعت از بوروکراتیزه‌شدن کانون‌های تفکر بود.

کانون‌های تفکر آلمان در سه سطح فعالند:

- در محافل علمی،
- در مشاوره مستقیم راجع به سیاست‌گذاری،
- در تماس با جامعه از طریق رسانه‌ها.

1. Ibid.



۹۵ درصد کانون‌های تفکر آلمان تحقیقات خود را از طریق چاپ کتاب عرضه می‌کنند.

۹۴ درصد از مصاحبه‌های تلویزیونی و رادیویی استفاده می‌کنند.

۶۷ درصد آنها در ژورنال‌های علمی مقاله چاپ می‌کنند،

در حالی که ۴۰ درصد نیز خود اقدام به چاپ ژورنال می‌کنند.

نیمی از آنها نیز به چاپ خبرنامه می‌پردازند.^۱

بیشتر مؤسسات آکادمیک بزرگ، کانون‌های تفکر حزبی و همچنین تعداد قابل توجهی از کانون‌های حمایتی شناخته شده، تولیدات و تألیفات تحقیقی درون سازمانی دارند.

پیش‌تر روابط اکثر کانون‌های تفکر با تلویزیون و شبکه‌های مشابه بسیار کم بود. اما با رقابتی شدن فزاینده اخبار تلویزیونی و بازار خبری کسب‌وکار، تغییراتی در دهه گذشته در این رابطه به‌وجود آمده است.

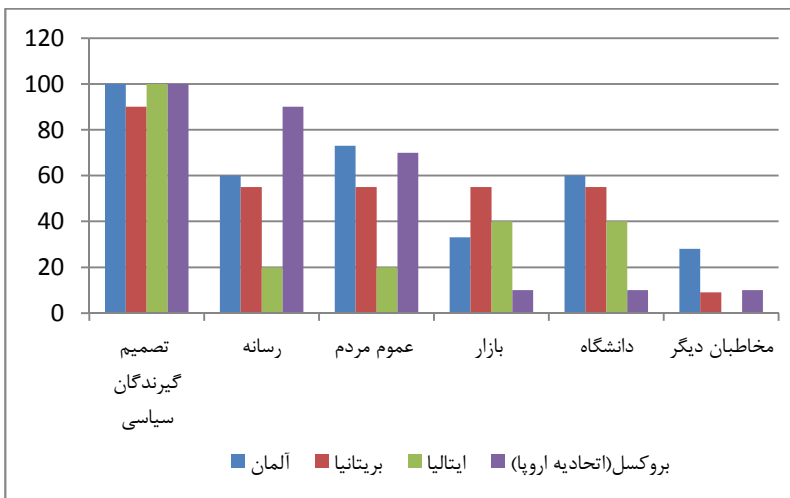
روابط میان کارشناسان روابط اقتصادی در کانون‌های تفکر و مدیران حوزه کسب‌وکار در رادیو و تلویزیون بسیار زیاد شده است که نشان می‌دهد تقاضا از کانون‌های تفکر به‌عنوان مفسران برای تحلیل مسائل، چه درباره موضوعات اجتماعی-اقتصادی داخلی و چه امور بین‌المللی افزایش یافته است.

در نمودار زیر مخاطبان گوناگون ۴۱ کانون تفکر در چند کشور اروپایی که به مسائل اتحادیه اروپا می‌پردازند، نشان داده شده‌اند.^۲

۱. این آمار حاصل تحقیقی است که بر روی ۳۰ کانون تفکر آلمانی انجام گرفته است.

2. Europe and its Think Tanks: a Promise to be Fulfilled, Stephen Boucher, Notre Europe, 2004, p.28.

نمودار ۲. مخاطبان کانون‌های تفکر در چند کشور اروپایی



ستون عمودی نشانگر درصد کانون‌هایی است که گروه خاصی را مخاطب خود برشمرده‌اند.

میزان تأثیرگذاری کانون‌های تفکر به مؤلفه‌های گوناگونی همچون الگوی تصمیم‌گیری، فضای کلی سیاسی (میزان باز یا بسته بودن فضای سیاستگذاری) و میزان نزدیکی به جامعه مدنی و سطحی که در آن بناست تصمیمی اتخاذ شود، بستگی دارد. از طرفی نیازهای تصمیم‌گیرندگان یکنواخت نبوده و در طول زمان نیز تغییر می‌کنند. ارزیابی عملکرد و تأثیرگذاری کانون‌های تفکر با سختی‌هایی مواجه است. بخشی از این سختی به سبب تنوع و گوناگونی و رقابت بازیگران، حوادث و سیاست‌های موجود در



فرآیند سیاستگذاری است.^۱

بخشی نیز ناشی از توجه کم دانشجویان، روزنامه‌نگاران و مدیران دولتی به آنها. اما به هر حال شیوه‌هایی برای سنجش تأثیرگذاری آنها وجود دارد. از جمله میزان توجه رسانه‌ها به آنها، میزان فروش تألیفاتشان، میزان استقبال از همایش‌های آنها و اقبال و دیدگاه عمومی نسبت به آنها.

کانون‌های تفکر آلمان با نگاهی به اتحادیه اروپا

تاریخ وحدت اروپا پیش از هر عامل دیگر تاریخ ایده‌هاست. از امیدهای مبارزان جبهه مقاومت در جنگ جهانی دوم برای وحدت اروپا پس از جنگ گرفته تا ایده ژان مونت برای تشکیل اتحادیه فولاد و زغال سنگ اروپا،^۲ همواره فرآیند وحدت را ایده‌ها به پیش برده‌اند.

نقش کانون‌های تفکر در تصویر کلی اتحادیه اروپا انکارناپذیر است. این کانون‌ها در مقام پیشروان ایده‌های سیاستگذاری، دارای ظرفیت برانگیختن گفتگو میان رهبران اروپایی و مردم، درباره آن شکل و شمایلی خواهند بود که اتحادیه اروپا بناست در آینده داشته باشد.^۳

هنگامی که تصمیم‌گیری درباره بسیاری از سیاست‌های عمومی کشورها در مجامعی همچون WTO، UN، G8 و EU اتخاذ می‌شود، منطقی است که کانون‌های

1. Global Go to Think Tank Index

2. Jean Monnet

3. Europe and its Think Tanks: a Promise to be Fulfilled, Stephen Boucher, Notre Europe, 2004, p.8.

تفکر نیز فعالیت‌هایشان را به قلمروی گسترده‌تر انتقال دهند و علاوه بر موضوعات ملی به مسائل جهانی نیز بیان‌دیشند.^۱

بدین ترتیب فراهم کردن مقدمات پیوستن کشورها به اتحادیه اروپا، حمایت از وحدت اروپا، تحلیل و ارزیابی اعمال سیاست‌های اتحادیه در کشورهای عضو و ایجاد مکانی برای تبادل نظر درباره مسائل مختلف میان صاحب‌نظران، از جمله انگیزه‌های مؤسسان در ایجاد کانون‌های تفکر است.^۲

نقشی که آلمان در اتحادیه اروپا بازی می‌کند بر کسی پوشیده نیست. قدرت اقتصادی آلمان تنها پشتیبان این کشور در داشتن چنین جایگاهی نیست. بلکه قدرت تفکر متفکران و فیلسوفانی است که با پیشینه و تصویر کنونی این کشور گره خورده است. همان‌گونه که آلمانی‌ها آتش جنگ را برافروختند، چنان قدرتی دارند که در زمانه صلح نیز پرچم‌دار آرمان‌های صلح و امنیت باشند. کانون‌های تفکر آلمان نیز از این مسئله مستثنا نیستند و بنابراین مطالعات و پژوهش‌های برخی از آنها فراتر از مسائل داخلی آلمان بوده و به بررسی چالش‌ها و فرصت‌هایی می‌پردازند که کل اتحادیه اروپا ممکن است با آنها روبرو باشند.

کانون‌های تفکر در مقام سازمان‌هایی ثابت تعریف شده‌اند که مسئولیتی در قبال دولت و گروه‌های ذینفع ندارند و در ارائه راه‌حل‌هایی برای سیاست‌های عمومی تخصص دارند و با استفاده از پژوهشگران ایده‌ها، تحلیل‌ها و پیشنهادهایی عرضه می‌کنند که بناست به اطلاع سیاست‌گذاران و مردم برسد و در نهایت به نفع عامه مردم تمام شود.^۳

1. *Ibid*, p.9.

2. *Ibid*, pp.19-20.

3. *Ibid*, pp.2-3.



براساس این تعریف از کانون‌های تفکر، در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۰ انجام شد، تعداد کانون‌های تفکر ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا را که به مسائل این اتحادیه می‌پردازند، ۶۷۰ اتاق فکر تخمین زده شد. برخی از این کانون‌ها منحصراً به مسائل اتحادیه می‌پردازند و این مسائل برای برخی دیگر در کنار موضوعات دیگر مورد مطالعه آنهاست.^۱

در مطالعه‌ای که مؤسسه **نوترو اویروپ**^۲ (اروپای ما) درباره ۱۴۹ کانون تفکر در اتحادیه اروپا که به مسائل و موضوعات کل اروپا می‌پردازند، انجام داده، مشخص شده که آلمان با ۲۳ کانون تفکر که ۴ مورد آنها منحصراً به موضوعات اتحادیه می‌پردازند، دارای بیشترین تعداد از این گونه کانون‌های تفکر است؛ امری که تا حدودی ناشی از جمعیت بیشتر به سبب پیشینه و سنت کانون‌های تفکر در این کشور است.^۳

این کانون‌های آلمانی روی هم رفته حدود ۲۰۰۰ کارمند و بیش از ۱۰۰۰ پژوهشگر دارند؛ عددی که به‌طور قابل توجهی از دیگر کشورهای اتحادیه بیشتر است. از میان این ۲۳ کانون، ۱۷ مورد آکادمیک، ۱ مورد حمایتی، ۲ مورد قراردادی و ۳ مورد حزبی برشمرده شده‌اند.^۴ همچنین متوسط بودجه کانون‌های تفکر ۸/۹ میلیون یورو برآورد شده که اختلاف فاحشی با دیگر کشورهای اتحادیه دارد.^۵

فهرست این ۲۳ کانون به این شرح است:

1. **Ibid**, p.4.
2. Notre Europe
3. **Ibid**, p.16.
4. **Ibid**, Table2, p.17.
5. **Ibid**, p.18.

- مؤسسه سیاست‌های اروپا،^۱
- مرکز پژوهش‌های یکپارچگی اروپا در دانشگاه بن،^۲
- مرکز پژوهش‌های اجتماعی اروپا در دانشگاه مانهایم،^۳
- مرکز پژوهش‌های اقتصادی اروپا در دانشگاه مانهایم،^۴
- مؤسسه علم و سیاست،^۵
- مجمع سیاست خارجی آلمان،^۶
- مرکز تحقیقات سیاست عملی دانشگاه مونیخ،^۷
- مؤسسه مطالعات صلح و جنگ هسه،^۸
- مؤسسه تحقیقات صلح و سیاست‌های امنیتی در دانشگاه هامبورگ،^۹
- مؤسسه بین‌المللی سیاست و اقتصاد هاوس ریزن در هامبورگ،^{۱۰}
- بنیاد برتلسمان،^{۱۱}
- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان،^{۱۲}

-
1. Institut für Europäische Politik (IEP)
 2. Zentrum für Europäische Integrationsforschung (ZEI) an der Universität Bonn
 3. Mannheimer Zentrum für Europäische Sozialforschung (MZES) an der Universität Mannheim; www.mzes.uni-mannheim.de
 4. Zentrum für Europäische Wirtschaftsforschung (ZEW) an der Universität Mannheim
 5. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)
 6. Forschungsinstitut der Deutschen Gesellschaft für Auswärtige Politik (DGAP)
 7. Centrum für Angewandte Politikforschung (CAP) an der Universität München
 8. Hessische Stiftung Friedens- und Konfliktforschung
 9. Institut für Friedensforschung und Sicherheitspolitik (IFSH) and der Universität Hamburg
 10. HAUS RISSEN-Internationales Institut für Politik und Wirtschaft (Hamburg)
 11. Bertelsmann Stiftung
 12. Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung (DIW Berlin)



- مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل،^۱
- مؤسسه تحقیقات اقتصادی^۲ (آی.اف.او)،
- بایگانی اقتصاد جهانی هامبورگ،^۳
- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان در هال،^۴
- مؤسسه اقتصاد و جامعه در بن،^۵
- مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی ماکس پلانک،^۶
- بنیاد فریدریش ابرت،
- بنیاد کونراد آدناور،
- بنیاد هانس زایدل،
- مؤسسه آسکو اروپا،^۷
- بنیاد توسعه و صلح.^۸

در یک چشم‌انداز اروپایی، نظام کانون‌های تفکر آلمان امری غیرعادی است. گونه‌های این کانون تفکر بسیار متنوع‌اند. تعداد بسیار زیادی «دانشگاه‌های بدون دانشجو» وجود دارند که اصلی‌ترین فعالیت آنها پژوهش‌های آکادمیک است. این شاخه شامل مؤسسات بزرگی است که به موضوعاتی همچون سیاست خارجی، صلح و امنیت

-
1. Institut für Weltwirtschaft an der Universität Kiel (IfW)
 2. IFO-Institut
 3. Hamburgische Welt-Wirtschafts-Archiv (HWWA)
 4. Institut für Wirtschaftsforschung Halle (IWH)
 5. Institut für Wirtschaft und Gesellschaft (IWG Bonn)
 6. Max-Planck-Institut für Gesellschaftsforschung
 7. ASKO-EUROPA-Stiftung
 8. Stiftung Entwicklung und Frieden (SEF)

می‌پردازند، مانند مؤسسه علم و سیاست^۱ و مجمع سیاست خارجی آلمان.^۲ اهداف این مؤسسات بین‌المللی بوده و بنابراین بخش عمده‌ای از فعالیت‌هایشان در رابطه با اروپاست. دو مؤسسه علم و سیاست و مجمع سیاست خارجی آلمان برنامه‌هایی پژوهشی درباره اتحادیه اروپا انجام می‌دهند. این برنامه‌ها نزد SWP، بیشتر بر همگرایی اروپا، روابط خارجی اتحادیه اروپا و سیاست‌های امنیتی و نزد DGAP بر روابط فرانسوی-آلمانی و اروپای مرکزی و شرقی متمرکزند.

برخلاف SWP که هدف اصلی‌اش مشاوره‌دادن به دولت فدرال است، DGAP سازمانی مستقل و غیرحزبی، شبیه به مجمع روابط خارجی^۳ در نیویورک و مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل^۴ در لندن است.^۵ هرچند DGAP سازمانی خصوصی است، اما دولت فدرال در برخی زمینه‌ها از آن حمایت مالی می‌کند.^۶

۶ مؤسسه بزرگ تحقیقات اقتصادی زیر را نیز باید در زمره این «دانشگاه‌های بی‌دانشجو» قرار داد:

- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان (DIW)^۷ در برلین،

- مؤسسه آی.اف.او (IFO)^۸،

- بایگانی اقتصاد جهانی هامبورگ (HWWA)^۹،

-
1. SWP
 2. DGAP
 3. Council for Foreign Relations
 4. Royal Institute of International Affairs
 5. *Ibid*, pp.57-8.
 6. Peter R. weilemann, 2009.
 7. Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung
 8. Institute for Economic Research
 9. Hamburgischen Welt-Wirtschafts Archiv



- مؤسسه تحقیقات اقتصادی راین- وستفالی^۱ در اِسِن (RWI)،

- مؤسسه اقتصاد جهانی دانشگاه کیل^۲ (IFW)

- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آلمان^۳ (IWH) در هال.

- تحقیقات آکادمیک اغلب این مؤسسات درباره اروپا، متمرکز بر جوانب اقتصادی

یکپارچگی اروپاست. منابع مالی آنها هم از سوی دولت فدرال و هم دولت‌های محلی تأمین می‌شوند.^۴

- علاوه بر این گروه دیگری از کانون‌های تفکر وجود دارند که ویژه ساختار سیاسی آلمانند:

- بنیادهای سیاسی یا اِشتیفونگن^۵. این کانون‌ها اساساً آزمایشگاه‌های ایده‌اند^۶ که از

علاق و ایدئولوژی‌های خاصی دفاع می‌کنند.

- ۶ مورد از این بنیادهای سیاسی و وابستگی‌های حزبی آنها را پیش‌تر نام بردیم.

این بنیادها در خارج کشور آلمان نیز بسیار فعالند و برای مثال یکی از نقش‌های عمده

آنها ترویج دموکراسی در آفریقا و آمریکای لاتین است. کارهای پژوهشی این کانون‌ها در

حقیقت تنها ۲۰ درصد فعالیت‌های آنها را تشکیل می‌دهد. به همین سبب آنها را باید

کانون‌های تفکر جزئی^۷ خواند. این کانون‌ها اغلب توسط دولت حمایت مالی شده و با

احزاب سیاسی حاضر در مجلس ملی بوندستاگ ارتباط دارند. با وجود این، کانون‌ها نه

1. Rheinisch-Westfälisches Institut für Wirtschaftsforschung

2. Institut für Weltwirtschaft

3. Institut für Wirtschaftsforschung Halle

4. **Ibid**, p.58

5. Stiftungen

6. Idea laboratories

7. Partial Think Tanks

ابزار دست رهبران احزاب بوده و نه بسط مراکز پژوهشی داخلی احزاب محسوب می‌شوند.^۱

- سنت دانشگاهی قوی آلمان، سبب می‌شود که در این کشور تعدادی کانون تفکر مرتبط با دانشگاه وجود داشته باشند که بسیاری از آنها وابسته به دانشگاه بوده یا در محیطی شبه‌آکادمیک فعالیت می‌کنند، مانند مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی ماکس پلانک^۲ که تحقیقاتی راجع به جوانب مختلف یکپارچگی اروپا انجام می‌دهد.

- در دهه ۱۹۹۰، برخی مؤسسات، پا را فراتر گذاشته و واحدهای سیاست‌پژوهی را در دانشگاه‌ها راه‌اندازی کردند، مانند مرکز پژوهش‌های اقتصادی اروپا^۳ (ZEW) و مرکز سیاست‌پژوهی کاربردی^۴ (CAP) که بنیاد برتلسمان مهم‌ترین حامی مالی آن است.

- یکی از جدیدترین کانون‌های تفکر دانشگاهی، مرکز پژوهش‌های یکپارچگی اروپا^۵ (ZEI) است که در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه بُن ایجاد شد. دولت آلمان بودجه قابل توجهی را به تأسیس این مرکز اختصاص داد و بخشی از سیاست کلی‌تر این کشور برای جبران خسارات ناشی از جابجایی پایتخت از بن به برلین بود.^۶

1. *Ibid*, p.58.

2. Max Planck Institut für Gesellschaftsforschung

3. Zentrum für Europäische

4. Centrum für angewandte Politikforschung (<http://www.cap-lmu.de>)

5. Zentrum für Europäische Integrationsforschung

6. *Ibid*, p.59.



معرفی بنیاد کنراد آدناور

بنیاد کنراد آدناور^۱ همان‌گونه که گفته شد وجود بنیادهای سیاسی یکی از شاخصه‌های حوزه کانون‌های تفکر در آلمان است. بنیاد کنراد آدناور که نامش را از یکی از صدراعظم‌های پیشین آلمان أخذ کرده به حزب دمکرات مسیحی و از بزرگ‌ترین بنیادهای تحقیقاتی وابسته است که وابستگی‌های سیاسی دارند.

براساس اهدافی که این بنیاد برای خود تعیین کرده، توسعه صلح، دمکراسی و عدالت در اروپا و جهان موضوعات اصلی برنامه‌های آن را تشکیل می‌دهند.

این بنیاد در مقام یک کانون تفکر داده‌ها و تحلیل‌های علمی و مشاوره در زمینه خط‌مشی‌ها را دنبال می‌کند و بدین منظور به برگزاری نشست‌ها و کنگره‌هایی در آلمان و دیگر نقاط اروپا می‌پردازد.

این بنیاد همچنین ۲ مرکز و ۱۶ مؤسسه آموزشی را در آلمان اداره می‌کند. آکادمی این بنیاد در برلین، مکانی برای گفتگو میان کارشناسان و متخصصان در زمینه‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی است.

این بنیاد بیش از ۲۰۰ برنامه پژوهشی را در ۱۲۰ کشور جهان دنبال می‌کند. بیش از ۷۵ درصد منابع مالی این بنیاد که اغلب از سوی دولت تأمین می‌شوند به پروژه‌های مختلف از جمله گسترش همکاری‌های بین‌المللی، بورس دانشجویان آلمانی و خارجی و تهیه گزارش‌های گوناگون اختصاص پیدا می‌کنند.

دامنه تألیفات این بنیاد بسیار گسترده بوده و از شرق آسیا تا خاورمیانه و آفریقا را

در برمی‌گیرد.

ریشه‌های این بنیاد به سال ۱۹۵۶ و تأسیس جامعه آموزش مدنی دموکرات مسیحی برمی‌گردد. پس از شکست جمهوری وایمار، هدف جامعه تثبیت ارزش‌های دموکراتیک و اصول اقتصادی اجتماعی در جامعه آلمان بود. از آنجا که اعضای اتحادیه دموکراتیک مسیحی این بنیاد را تأسیس کردند، فلسفه و هویت این سازمان، بر مبنای آن ارزش‌های سیاسی بنا نهاده شده بود که اعضای جوان حزب اکثریت و رهبر آن یعنی آدناور دنبال می‌کردند.^۱

در اواسط دهه ۱۹۶۰ با آغاز سیاست‌های رشد و توسعه آلمان، بنیاد کونراد آدناور نیز شروع به گسترش و نشر این ارزش‌ها به سایر نقاط جهان کرد.

این نقش بر عهده واحدی سازمانی به نام مؤسسه انسجام جهانی^۲ نهاده شد. در همان زمان مؤسسه‌ای دیگر تأسیس شد تا از آن دسته دانشجویان نخبه‌ای حمایت کند که جدای از موفقیت‌های دانشگاهی چشمگیر، آماده بر عهده گرفتن مسئولیت‌های دولتی و اجتماعی بودند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، تحت تأثیر روش‌های تحقیق تازه در ایالات متحده، مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی تأسیس شد تا برای سیاست آلمان، روش‌شناسی‌های تازه و صور جدید تحلیل داده‌ها در زمینه سنجش دیدگاه مردم و همچنین تحلیل انتخابات را فراهم کند.

1. Experiences of Multidimensional Think Tanks, Peter R. Weilemann, in Think Tanks and Civil Societies: Catalysts for Ideas and Action, Edited by James G McGann, Robert Kent Weaver, Transaction Publisher, 2009.

2. Institute for International Solidarity



در اوایل دهه ۱۹۷۰، پنجمین مؤسسه این بنیاد به منظور رایزنی و مشاوره در زمینه سیاست‌های محلی تأسیس شد. به علاوه، آرشیوی تاریخی برای گردآوری و ویرایش منابع جنبش دمکرات مسیحی در آلمان و اروپا ایجاد شد. همچنین مرکزی جداگانه برای آموزش‌های مدنی با دفاتر منطقه‌ای اضافه شکل گرفت.

تنها در اواسط دهه ۱۹۷۰ بود که ۷ مؤسسه این بنیاد که در مکان‌های مختلف و تقریباً به نحو مستقل فعالیت می‌کردند، در مکان جدید این بنیاد گرد هم آمدند. زمانی سطح تازه‌ای از یکپارچگی اتفاق افتاد که این ۷ مؤسسه در چهار گروه آموزشی، آموزش مدنی، همکاری بین‌الملل، خدمات آموزشی و تحقیقات سیاسی ادغام شدند.^۱

در سال ۱۹۹۴، بودجه سالیانه بنیاد کونراد آدناور بالغ بر ۲۳۰ میلیون مارک آلمان تخمین زده شد. وابستگی به بودجه دولتی، اما سبب کاهش منابع مالی و بالطبع کارکنان آن در سال ۲۰۰۰ شد. ۹۵ درصد بودجه این بنیاد تحت عناوین مختلف از محل منابع دولتی تأمین می‌شود. برای مثال بودجه آموزش‌های مدنی از سوی وزارت کشور، بودجه همکاری‌های بین‌المللی از سوی وزارت‌های امور خارجه و اقتصاد تأمین می‌شوند.

مجموعه اعضای بنیاد، هیئت‌امنا را که شامل رئیس و نایبان و دیگر اعضاست، انتخاب می‌کنند. در حالی که رئیس و معاونان به‌طور کلی سیاستمداران عالی‌رتبه بازنشسته یا دارای سوابق درخشان سیاسی‌اند، اعضای دیگر را شخصیت‌های شناخته شده و مهم در زمینه‌های کسب‌وکار، مالی و دانشگاهی تشکیل می‌دهند.

1. Ibid.

هیئت امنای آنها کار نظارتی انجام نمی‌دهد، بلکه نقشی فعال در تعیین استراتژی‌های مؤسسه و ساختار سازمانی درونی آن بازی می‌کند. تنها یکی از زمینه‌هایی که این بنیاد تحقیقات گسترده‌ای را به آن اختصاص داده، مسئله اتحاد دو آلمان و بررسی عواقب پس از آن بوده که توسط گروه تحقیقات سیاسی این بنیاد انجام شده است.

همچنین زیر نظر داشتن پیوسته کارکرد مجلس، ساختار دموکراتیک داخلی و فعالیت‌های مالی احزاب افراطی همچون دست‌راستی‌های PDS و چپی‌های DVU، از فعالیت‌های عادی آن محسوب می‌شود.

یافته‌های تحقیقاتی این بنیاد به ویژه این گروه، نه تنها از سوی احزاب سیاسی، بلکه توسط رسانه‌ها نیز برای بی‌اعتبار کردن احزاب افراط‌گرای غیردموکراتیک مورد استفاده قرار می‌گیرند.^۱

از دیگر اهداف بنیاد کونراد آدناور، حفظ استقلال حکومت‌های محلی به‌عنوان قلمرو مشارکت سیاسی شهروندان است. از طریق همکاری با شهردارها و دیگر مدیران شهری، کارشناسان دانشگاهی و شهروندان، مفاهیمی برای حصول این مهم بسط می‌یابند که شامل شیوه‌های نوین خصوصی‌سازی، استفاده از فناوری‌های مدرن ارتباط جمعی در مدیریت شهری یا تقویت نقش داوطلبی در جامعه می‌شود.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، تحقیقات اقتصادی نقش چندانی در سیاست‌های این بنیاد نداشت. اما از اواسط این دهه تغییر در مفاهیم اقتصادی سبب شد که این نهاد به تدریج به مسائل اقتصادی توجه بیشتری داشته باشد، به گونه‌ای که این بنیاد تبدیل به یکی از

1. Ibid.



بازیگران مهم در تقویت یورو شد، واحدی پولی که آلمانی‌ها به آن رغبتی نشان نمی‌دادند.

در پیشینه این بنیاد، به‌عنوان یکی از پدران اتحادیه اروپا، بنیاد کونراد آدناور عمیقاً به ایده یکپارچگی و اتحاد اروپا متعهد است و تلاش می‌کند این اهداف را از طریق تحلیل‌های سیاسی، همچنین از طریق گفتگوهای میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی و نیز ارتباط با مردم پیش ببرد.

به واسطه شبکه گسترده آن در مؤسسات اتحادیه‌های اروپا،^۱ خصوصاً پارلمان اروپا و حزب مردم اروپا^۲ و همچنین نمایندگان‌اش در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، گروه تحقیقات سیاسی این بنیاد به‌صورت فعال در اجرای معاهده ماستریخت^۳ و تهیه معاهده آمستردام^۴ نقش داشت.

سنجش و تفسیر افکار عمومی در رابطه با اتحادیه اروپا و همچنین زیر نظر داشتن فرآیند تغییر و تحول در کشورهایی که خواستار پیوستن به آن اتحادیه‌اند بخشی از وظایف این بنیاد محسوب می‌شود.

این بنیاد از زمان تأسیس همواره خود را لنگر و تکیه‌گاه محکم نگاه و جهت‌گیری آلمان و اتحادیه اروپا به سمت آمریکا و تقویت‌کننده دوستی آلمانی-آمریکایی دانسته و مطالعاتش را بر نقش پیمان ناتو در فضای متحول روابط بین‌الملل متمرکز کرده و بیش

۱. European Communities، این اتحادیه‌ها، شامل سه اتحادیه بین‌المللی انرژی اتمی، فولاد و زغال‌سنگ، و اقتصاد می‌شدند که مؤسسات مشترکی داشتند و با معاهده‌ی ماستریخت در ۱۹۹۲، سبب پیدایش اتحادیه اروپا شدند.

2. European Peoples Party

3. Maastricht Treaty

4. Amsterdam Treaty

از پیش به موضوعاتی همچون رابطه با کشورهای شرقی و مسائل مربوط به انرژی اتمی می‌پردازد. اخیراً گروه تحقیقات سیاسی این بنیاد به تأثیر پیشرفت علمی و ابتکارات و اختراعات فناوری بر ارزش‌های اخلاقی و سیاسی نیز توجه کرده است.

نتیجه‌گیری

- کانون‌های تفکر آلمان در فضایی سیاسی فعالیت می‌کنند که دارای تناقضات خاصی‌اند. سنت تحلیل‌های سیاسی مستقل بر مبنای منابع مالی بخش خصوصی، آن گونه که در ایالات متحده شناخته شده، در آلمان وجود نداشته است. اگر چه جامعه بعد از جنگ آلمان به‌طور کلی و به‌خصوص فضای دانشگاهی در زمینه‌های علوم سیاسی و اقتصادی به نحو بارزی از الگوهای آمریکایی تأثیر پذیرفته است. ازسوی دیگر این کشور دارای پیشینه‌ای طولانی در زمینه پژوهش‌های آکادمیک حمایت شده ازسوی دولت به‌ویژه در بخش اقتصاد است که در برخی موارد حتی به دوران امپراتوری آلمان باز می‌گردد.^۱

- در آلمان نخستین تمایزی که در ترسیم طرحی از بخش کانون‌های تفکر باید مد نظر باشد، تمایز میان کانون‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی است.

- در این کشور ده‌ها دانشگاه وجود دارند که تقریباً همه آنها به تأسیس مؤسسه یا مرکز تحقیقاتی دست زده‌اند.

1. Peter R. Weilemann, 2009.



- مؤسسات غیردانشگاهی را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. یکی مؤسساتی که توسط دولت حمایت می‌شوند که اغلب آنها تحت نظارت مؤسساتی همچون ماکس پلانک و لایب‌نیتس فعالیت می‌کنند. دسته دوم کانون‌های تفکر خصوصی‌اند که در میان آنها بیشترین سهم به کانون‌های وکالتی یا حمایتی اختصاص دارد. این کانون‌ها مراکزی تحقیقاتی به حساب می‌آیند که توسط گروه‌های ذینفعی همچون اتحادیه‌های تجاری، کارگری یا صنایع آلمان حمایت می‌شوند.

- مؤسساتی که مستقیماً توسط اتحادیه اروپا حمایت می‌شوند و همچنین کانون‌های تفکر وابسته به کلیساهای پروتستان و کاتولیک را نیز می‌توان ذیل این دسته به شمار آورد.^۱

- مؤسسات پژوهشی در زمینه سیاست‌ها و خط‌مشی، بر فرآیند تصمیم‌گیری دولت‌های فدرال و ایالتی تأثیرگذار بوده و فعالیت‌های آنها به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه رسانه‌های آلمانی قرار گرفته‌اند. بسیاری از این مؤسسات از منابع مالی دولتی استفاده می‌کنند و اغلب آنها روابط نزدیکی با دانشگاه‌ها دارند.

- کانون‌های تفکر آلمانی به‌طور کلی شامل مؤسسات سیاست خارجی، سازمان‌های تحقیقات صلح، مؤسسات تحقیقات اقتصادی، بنیادهای حزبی و کانون‌های مدرن می‌شوند.

- برای کشوری با پیشینه فکری آلمان که خاستگاه بزرگ‌ترین متفکران و فیلسوفان بوده و تأثیرگذارترین مکاتب و نحله‌های فکری در آن شکل گرفته و یکی از کتابخوان‌ترین مردم دنیا را دارد، چالشی که ممکن است اتاق‌های تفکر با آن روبرو باشند، نه تولید ایده

1. Ibid.

بلکه عملی کردن آنهاست. «هنگامی که کشوری کانت و هگل را پرورش داده است، باید با اطمینان گفت که تفکر عمیقاً جزئی از توانایی‌های آن است. اما هنگامی که موضوع تأملاتی با ماهیتی عملی‌تر پیش می‌آید، شیوه آلمانی تولید ایده‌ها از حصول خروجی مطلوب باز می‌ماند.»^۱

- یکی از نکات مثبت در بخش کانون‌های تفکر آلمان این است که از دیدگاه قانونی و تکنیکی ثبت یک کانون تفکر با موانع بوروکراتیک چندان دست و پاگیری روبرو نیست.

- مسئله اساسی، تأمین مالی کانون‌های تفکر چه در زمینه جذب منابع دولتی و چه منابع خصوصی مطمئن است. در حالی که برخی در جامعه کانون‌های تفکر آلمان، ادامه بودجه‌های دولتی سخاوتمندانه را پیش‌شرط تولید تحقیقاتی مربوط به سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها می‌دانند که مستقل از تأثیر علایق شخصی انجام شده باشند. بعضی دیگر ناچار شده یا می‌شوند تا به دلیل کسری بودجه، سرمایه‌های خصوصی بیشتری را جذب کنند.

- هرچند بیشتر کانون‌های تفکر وابسته به بودجه‌های دولتی خواهند ماند، اما نقش بخش خصوصی رفته رفته در حال پررنگ شدن است.^۲

- حرکت کانون‌های تفکر به سمت استقلال بیشتر از منابع دولتی و تکیه بر بخش خصوصی است، زیرا حمایت دولت همواره با محدودیت‌های خاص خود همراه است.^۳

1. Economist, 2004, p. 29; Cited in U.S. and German Think Tanks in Comparative Perspective, Josef Braml, German Policy Studies, Volume Three, Number 2, 2006, pp. 222-267.

2. "Think Tanks In Germany", Martin Thunert, in Think Tanks in policy Making- Do they Matter?, Shanghai, 2011, p.52.

3. Thunert, 2006.



- اغلب فعالان بخش کانون‌های تفکر اذعان کرده‌اند که تقاضا برای تحقیقات کانون‌ها به میزان چشمگیری در اوایل دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته و دستکم تاکنون در همان سطح باقی مانده است.

- فشار روی مسئولان سیاسی و مدیران برای تصمیم‌گیری فوری و همزمان در قلمروهای سیاسی متفاوت سبب ایجاد نیاز به کمک‌های بیرونی شده است.

- از این‌رو بهترین و قوی‌ترین فرصت برای کانون‌های تفکر و شبکه‌های سیاستگذاری به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های جهانی، فراهم آوردن تحقیقات میدانی مهم و اطلاعات بموقع برای تصمیم‌گیرندگان سیاسی درباره موضوعات حیاتی است.^۱

البته فعالان در کانون‌های تفکر از این حقیقت آگاهند که استفاده‌ای که از آثار آنها توسط تصمیم‌گیرندگان و گروه‌های ذینفع صورت می‌گیرد، از اختیار خودشان خارج بوده و بیشتر به‌منظور توجیه تصمیماتی است که از پیش گرفته شده‌اند، نه تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری. اما آنها در هر صورت بر این امر واقفند که به‌نظر می‌رسد تصمیم‌گیرندگان، رسانه‌ها و عموم مردم در آلمان به‌طور کلی پذیرفته‌اند که علم و دانش می‌تواند در بسط سیاست‌های معقول نقش مثبتی داشته باشد.^۲

کانون‌های تفکر آلمان، همچنان نقش مهمی در فرآیند تعیین خطوط مشی و دستور کارها بازی خواهند کرد که کمبودی از لحاظ چالش‌های سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای، اروپایی و جهان وجود ندارد. دولت‌ها و مجالس، رسانه‌ها و جامعه مدنی و همچنین سازمان‌های غیردولتی، هم‌اکنون در زمینه ایده‌ها، شواهد، ارزیابی و مشاوره،

1. Global Think Tanks: Policy Networks and Governance, James McGann and Richard Sabatini, p.128.

2. Thunert, 2011, p.52.

بر کانون‌های تفکر تکیه می‌کنند.

البته کانون‌های تفکر تنها در فکر ارائه این خدمات به مشتریان مختلف نیستند، اما آنها در آلمان و خارج از آن، فعالانی محوری در «صنعت ایده‌ها»^۱ و بازار مشاوره محسوب می‌شوند.^۲

در زمینه توسعه کانون‌های تفکر آلمان، جوانب مختلفی وجود دارد. به‌طور کلی این کانون‌ها بیش از پیش قابل دیدن می‌شوند.

همان‌گونه که گفته شد، انتقال پایتخت به برلین، مخاطبانی را برای کانون‌های تفکر مهیا ساخت که در بن نبودند.

رسانه‌ها بیش از پیش از کارشناسان کانون تفکر مشاوره می‌گیرند.

فعالان بخش خصوصی نیز علاقه بیشتری به کانون‌های تفکر پیدا کرده و حمایت مالی از آنها را افزایش داده‌اند. برتلسمان اصلی‌ترین آنهاست، اما وجود گروهی از بنیادهای کوچک‌تر، مؤسسات پژوهشی آلمان را قادر ساخته تا دیگر تنها بر بودجه‌های دولتی تکیه نکنند.

نکته دیگر اینکه کانون‌های آلمانی به سمت عملگرایی بیشتر و کمتر ایدئولوژیکی بودن پیش می‌روند. برای نمونه بنیادهای سیاسی بر این مطلب تأکید دارند که با وجود ارتباطاتشان با احزاب سیاسی، از یک دیدگاه یا منبع خاص ایده‌ها حمایت نمی‌کنند.^۳

کانون‌های تفکر آلمانی با وجود روابطشان با بسیاری از مؤسسات در سرتاسر جهان و علی‌رغم گستره بین‌المللی فعالیت‌هایشان، بیش از همه محصول نظام پارلمانی و

1. Ideas Industry

2. **Ibid**, p.54.

3. Stephen Boucher, p.59.



فدرال آلمان بوده و ریشه در فرهنگ سیاسی و ملی آن دارند.^۱

منابع و مأخذ

1. Christopher Demuth. Think-Tank Confidential: What I learned during two Decades as Head of America's most Influential Policy Shop. WSJ, 11 October, 2007.
2. 3rd OECD Forum on Statistics, Knowledge and Policy, 27-30/10/2009; Session 2.2.d: The Role of Think Tanks.
3. Rich, Andrew: Think Tanks, Public Policy and the Politics of Expertise. Cambridge, 2005.
4. Jesper Dahl Kelstrup, Four Think Tank Perspectives, (an Unpublished Article)
5. <http://karafarin24.com/>
6. <http://en.wikipedia.org/>
7. Stephen Boucher, Europe and its think tanks: a promise to be fulfilled, Notre Europe, 2004.
8. Andrew Rich, "Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise", Cambridge University Press, 2004.
9. Jiri Schneider, "Globalization and think-tanks, Security policy networks", Head of Policy Planning, MFA, Prague, May 2003.
10. OGC Discussion Paper 24 – September 2009.
11. James McGann & Richard Sabatini, "Global Think Tanks: Policy Networks and Governance", Routledge, 2011.
12. James G. McGann, 2013 GLOBAL GO TO THINK TANK INDEX REPORT.
13. Stone, Diane and Andrew Denham (eds.) (2005), Think Tank Traditions: Policy Research and the Politics of Ideas, Manchester

1. **Ibid**, p.60.

University Press.

14. Volker R. Berghahn, Europe in the Era of Two World Wars, From Militarism and Genocide to Civil Society, 1900–1950, Princeton University Press, 2006.

15. William R. Horne, Germany, University of Northern British Columbia, Series Editor Charles F. Gritzner, Second Edition, 2007.

16. Stephen Boucher, Europe and its think tanks: a promise to be fulfilled, Notre Europe, 2004.

17. Patrick Köllner, Think Tanks: Their Development, Global Diversity and Roles in International Affairs, GIGA, 2011.

18. Hartwig Pautz, Think Tanks in the United Kingdom and Germany: Actors in the Modernisation of Social Democracy, BJPIR: 2010 VOL 12.

19. Martin W. Thunert, The Development and Significance of Think Tanks in Germany, German Policy Studies, Volume Three, Number 2, 2006.

20. Day, A.J, “Think Tanks in Western Europe,” in J.G. McGann and K. Weaver (eds.) Think Tanks & Civil Society. New Brunswick, NJ: Transaction publishers.

21. Peter R. Weilemann, Experiences of multidimensional Think Tanks, in “Think Tanks and Civil Societies: Catalysts for Ideas and Action”, edited by JAMES G MCGANN, Robert Kent Weaver, Transaction publisher, 2009.

For further Reading:

1. Tom Dyson, the Politics of German Defence and Security, Berghahn Books, 2008.

2. Hartwig Pautz, Think-Tanks, Social Democracy and Social Policy, Palgrave Macmillan, 2012.

3. Stone, Diane, Capturing the Political Imagination: Think Tanks and the Policy Process, London, Frank Cass, 1996.

4. Josef Braml, Think tanks versus "Denkfabriken"? : U.S. and



German policy research institutes' coping with and influencing their environments, Nomos Publishers, 2004.

5. Think Tanks Across Nations: A Comparative Approach, edited by Diane Stone, Andrew Denham, Mark Garnett, Manchester University Press, 1998.

6. James G. McGann, Erik C. Johnson, Comparative Think Tanks, Politics and Public Policy, Edward Elgar Publishing, 2005.

7. James G. McGann, Think Tanks and Policy Advice in the United States, Routledge, 2007.

8. Thunert, Martin, "Think Tanks in Germany," in: Society. 2004, 66-69.

9. Thunert, Martin, "Players Beyond Borders? German Think Tanks as Catalysts of Internationalization" in: Global Society Vol. 14 (2), April 2000.

10. The Idea Brokers: Think Tanks and the Rise of the New Policy Elite, James Allen Smith, the Free Press, 1993.

11. Inderjeet Parmar, Think Tanks and Power in Foreign Policy, Palgrave Macmillan, 2004.

12. Howard J. Wiarda, Think Tanks and Foreign Policy, Lxington Books, 2010.

13. Andrew Denham and Mark Garnett, British think-tanks and the climate of opinion, UCL Press, 1998.

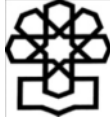
14. Kathleen McNutt and Gregory Marchildon, Think Tanks and the Web: Measuring Visibility and Influence, Canadian Public Policy / Analyse de Politiques Vol. 35, No. 2, Jun., 2009.

15. Busch, Andreas 'Interests or Ideas: An Overview of Ideational Concepts in Public Policy Research' in Braun, D. and A. Busch (eds) Public Policy and Political Ideas, Cheltenham: Edward Elgar, 2000.

16. Yehezkel Dror, Required Breakthroughs in Think Tanks, in "The Science of Public Policy: Evolution of Policy Sciences," Edited by Tadao Miyakawa, Routledge, 1999.

17. By Donald E. Abelson, Do Think Tanks Matter? Assessing the

- Impact of Public Policy Institutes, McGill-Queen's University Press, 2002.
18. Kubilay Yado Arin, Methodological Approach: Typologies of Think Tanks, in "Think Tanks: The Brain Trusts of US Foreign Policy", Springer, 2014.
 19. Patrick Koellner, Towards a Comparative Analysis of International Affairs Think Tanks, GIGA German Institute of Global and Area Studies, 2014.
 20. Alan Raucher, The First Foreign Affairs Think Tanks, Source: American Quarterly, Vol. 30, No. 4 (Autumn, 1978).
 21. Raymond J. Struyk, Management of Transnational Think Tank Networks, International Journal of Politics, Culture, and Society, Vol. 15, No. 4, Summer, 2002.
 22. C. Fred Bergsten and James McGann, Think Tank Second Thoughts, Foreign Policy, No. 171, March/April 2009.
 23. Colin S. Gray, 'Think Tanks' and Public Policy, International Journal, Vol. 33, No. 1, Opinion and Policy, Winter, 1977/1978.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۳۴۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کانون‌های تفکر آلمان

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: طالب جابری

ناظر علمی: سیدیونس ادیبانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. کانون تفکر

۲. آلمان

۳. اتحادیه اروپا

۴. بنیاد کنراد آدناور



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۴/۲۴